



طاهر احمدزاده، چهره ملی و پدر مسعود، مجید و مجتبی احمدزاده درگذشت!

صفحه ۱۶

در این شماره می‌خوانید:

- ۵ صفحه - پیام تبریک بمناسبت پیروزی درخشان و تاریخی تیم ملی وزنه برداری
- ۶ صفحه - ابراز خرسندی از یک قتل
- ۶ صفحه - به بهانه ۱۶ آذر روز دانشجو
- ۷ صفحه - بعد از داعش، نوبت جمهوری اسلامی است!
- ۸ صفحه - پارادوکس محمد بن سلمان
- ۹ صفحه - کودکان کار، در آرزوی رفاه و محبت اما درمنجلاب فقر و تجاوز
- ۱۰ صفحه - اعتصاب و اعتراض کارگران شرکت نیشکر هفت تپه
- ۱۱ صفحه - اعتراض های گسترده علیه بیکاری در خوزستان
- ۱۲ صفحه - بیست و نهمین کنفرانس بنیاد پژوهش‌های زنان ایران
- ۱۲ صفحه - پیروان آیین یارسان در اسارت تبعیض های چند گانه
- ۱۴ صفحه - پیام به بیستمین کنگره حزب کمونیست اسپانیا
- ۱۴ صفحه - چرا حرف از مالیات رئیسی را آشفته می‌کند؟
- ۱۵ صفحه - تصمیم ترامپ در مورد بیت‌المقدس مغایر صلح و حقوق بین‌المللی است

## اعلامیه مشترک



### کارنامه جمهوری اسلامی در عرصه حقوق بشر شرم‌آور است

۶۹ سال از تصویب قطعنامه حقوق بشر در سازمان ملل متحد می‌گذرد. اما جهان همچنان شاهد رویدادهایی است که در آن‌ها حقوق اولیه و اساسی انسان‌ها گاهی به بدترین شکل نقض می‌شود. برخی از این رویدادها به حق نام جنایت علیه بشریت به خود می‌گیرند.

دهم دسامبر هر سال مناسبتی برای مرور کارنامه حقوق بشر در همه کشورهاست. در ایران طی یک سال گذشته حقوق بشر همانند سال‌های قبل به شدت نقض گردید. کارنامه جمهوری اسلامی در عرصه حقوق بشر شرم‌آور است. موارد زیر، بخشی از عملکرد کنونی جمهوری اسلامی در عرصه حقوق بشر را بازتاب می‌دهد:

- تنها در ماه ژوئیه امسال صد نفر در ایران اعدام شدند. هر ماه ده‌ها نفر در ایران اعدام می‌شوند.

- تعداد دستگیری‌ها در ماه نوامبر، هزار و ۱۱۹ مورد بوده که پنج برابر ماه میلادی پیش از آن است. ۶۱ مورد دستگیری سیاسی نیز در این ماه ثبت شده است. بر اساس گزارش کمیته نه به زندان نه به اعدام، تعدادی از شهروندان به دلیل کمک رسانی به زلزله زدگان و انتشار مطلب و انتقاد در خصوص وضعیت زلزله زدگان، دستگیر شده‌اند.

- آنتونیو گوترش دبیرکل سازمان ملل در آخرین گزارش خود درباره وضعیت حقوق بشر در ایران که حدود سه هفته پیش انتشار یافت، خاطرنشان کرد موارد قتل شهروندان و دستگیری به ویژه در کردستان ایران بسیار است. در این گزارش به ده‌ها مورد قتل کولبران تنها در سال جاری اشاره شده است.

- کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل پیش‌نویس قطعنامه‌ای را به دلیل ادامه نقض حقوق بشر در ایران ارائه داده بود که این قطعنامه با اکثریت آرا به تصویب رسید. این کمیته در قطعنامه پنج صفحه‌ای نگرانی خود را در مورد اقدامات غیرقانونی اعم از شکنجه، شرایط بد زندان‌ها، بازداشت‌های خودسرانه و محدودیت آزادی مذاهب اعلام کرده است. تبعیض بر علیه اقلیت‌های قومی و مذهبی و همچنین علیه زنان نیز از جمله موارد نقض حقوق بشر در ایران عنوان شده‌اند. از سال ۱۹۸۵ تاکنون این سی‌امین بار است که ایران به دلیل نقض حقوق بشر در سازمان ملل محکوم می‌شود.

- دولت جمهوری اسلامی در تدارک به تصویب رساندن قانونی برای اعمال کنترل کامل بر رسانه‌هاست. تا ماه ژوئن سال ۲۰۱۷ دست‌کم ۱۲ خبرنگار، ۱۴ وبلاگ‌نویس و تعدادی از فعالان مدنی در ایران بازداشت شده‌اند و تحت شکنجه قرار گرفته‌اند در حالی که فعالیت‌های آنها مسالمت‌آمیز بوده است.

- زندانیانی که سال‌هاست صرفاً به علل سیاسی و بدون ارتکاب هیچ‌گونه نقض قوانین خود جمهوری اسلامی در حبس به سر می‌برند در سالی که گذشت نیز آزاد نشدند. در میان آنان، فعالان کارگری، روزنامه‌نگاران، وکلای دادگستری و فعالان حقوق بشری دیده می‌شوند.

- آزار و ایجاد محدودیت برای شهروندان بهائی ادامه دارد. در سال‌های اخیر این محدودیت‌ها به مشاغل آزاد که تنها عرصه باقی مانده برای امرار معاش این شهروندان بود، نیز گسترش یافته است.

- بازداشت خانگی چهره‌های شاخص جنبش سبز ۱۳۸۸ امسال نیز ادامه یافت.

این کارنامه منفی جمهوری اسلامی، تداوم نزدیک به چهل سال بی‌اعتنایی و نقض فاحش حقوق بشر توسط حکومت ایران است. ما تلاش انبوه فعالان حقوق بشری برای اطلاع‌رسانی در این عرصه را ارج می‌نهمیم و همه ایرانیان آزادیخواه را به افزودن بر پشتیبانی خود از این تلاش فرا می‌خوانیم.

**هیئت سیاسی - اجرائی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)**

**هیئت مسئولین کنشگران چپ**

**ما خواهان برابر حقوقی شهروندان و اجرای بی‌خداشه حقوق بشر هستیم**



## درخواست از یاران!

### درودهای گرم ما به شما یاران عزیز!

یاران! نیروهای سرکوب رژیم فقها در دهه ۶۰ به صفوف سازمان ما یورش آورده و ما را چند پاره کردند. در این یورش بیش از هزار عضو سازمان دستگیر و به اسارت رژیم درآمدند. صدها تن از رفقای ما در همان دهه و در کشتار ۶۷ به جوخه اعدام سپرده شدند و عده‌ای از آنان دوران محکومیت را گذرانده و به جامعه بازگشتند. گروهی از رفقای ما در داخل کشور از پیگرد رژیم در امان ماندند و گروه دیگر برای دور ماندن از پیگرد رژیم فقها، مجبور به خروج از کشور شدند.

گروهی از رفقای ما که از کشور خارج شدند، به فعالیت متشکل ادامه داده و به حیات سازمان تداوم بخشیدند. رفقای ما از داخل کشور به جهت سرکوب رژیم، نمی‌توانستند به فعالیت سازمان یافته و تشکیلاتی روی بیاورند. اما این رفقا در شرایط اختناق به آرمان‌ها و اهداف سازمان پابرجا ماندند.

چند پاره شدن سازمان، اجازه نداد که در طی سه دهه و نیم، همه یاران دست در دست هم بگذارند و در کنار هم برای رسیدن به اهداف انسانی مبارزه کنند. با این وجود تکنولوژی اطلاعاتی و ارتباطی، این امکان را فراهم آورد که یاران ما در داخل کشور تا حدودی در جریان فعالیت‌های سازمان در خارج از کشور و تحولات فکری و سیاسی قرار گیرند.

چند سال گذشته فعالیت اصلی سازمان، متوجه برگزاری کنگره مشترک در راستای شکل‌دهی سازمان واحد از سه جریان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران - طرفداران وحدت چپ و کنشگران چپ بوده است. اما در عین حال در اطلاعیه‌های سه جریان گفته شده که این مهم منحصر به این سه نیرو نیست. نیروهای چپ در داخل و خارج از کشور به مراتب فراتر از این نیروهاست. ما این نیروها و علاقمندان به تشکیل یک سازمان برنامه‌محور و تاثیرگذار چپ در سپهر سیاسی کشور را مورد خطاب قرار داده و آن‌ها را به مشارکت در روند تدارک کنگره و تشکیل سازمان واحد فرا خواندیم.

یاران! برای سازمان نظر شما در مورد تشکیل سازمان واحد از سه جریان اهمیت دارد. ما می‌خواهیم نظر شما را نسبت به این پروژه بدانیم، از پیشنهادها و تأکيدات شما در مورد کنگره آگاه شویم، در باره چند و چون فعالیت سازمان بعد از گذراندن دوره گذار به مشورت بنشینیم و پیشنهادهای شما را در رابطه با نام سازمان واحد جویا شویم. در این رابطه ما سئوالات زیر را تهیه و با شما در میان می‌گذاریم. از شما می‌خواهیم به انحاء مختلف و از کانال‌های مناسب، پاسخ سئوالات را طی دو ماه آتی بعد از انتشار این اطلاعیه به دست ما برسانید.

### هیئت سیاسی - اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۲۰ آبان ۱۳۹۶ (۲۱ نوامبر اکتبر ۲۰۱۷)

### سئوالات

۱. شما احتمالاً از قرار مصوب کنگره فوق‌العاده سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با عنوان "برای بنیان‌گذاری تشکل سیاسی مشترک با مضمون حزبی" آگاه هستید (کنگره در روزهای ۱۶ و ۱۷ مهر ماه ۱۳۹۵ برگزار شد). بعد از کنگره فوق‌العاده سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، هیئت مسئولین کنشگران چپ و سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران - طرفداران وحدت چپ تصمیم گرفتند که کنگره مشترک را برای تشکیل سازمان واحد برگزار کنند. اکنون سازمان با دو نیروی نامبرده در کار برگزاری کنگره مشترک مبتنی بر مصوبه ذکر شده است. **نظر شما چیست؟**

۲. **پیشنهادها و تأکيدات شما** در مورد کنگره مشترک سه جریان و دستور کار آن که قرار است طرف ماه‌های آتی برگزار شود، چیست؟

۳. کنگره فوق‌العاده سازمان (کنگره پانزدهم) در قرار مصوب خود، یک دوره گذار را در نظر گرفت. دوره گذار مشخصاً تدبیری است برای رفع نگرانی‌ها و تردیدها و جلب اعتماد نسبت به سازمان نوپایاد و فرصتی است برای پی‌ریزی و تحکیم سازمان واحد. با برگزاری کنگره، تشکیل سازمان واحد و سپری شدن دوره گذار، لازم است در باره چند و چون فعالیت سازمان تصمیم بگیریم. **نظر شما در این موضوع چیست؟**

۴. **چه نامی برای سازمان واحد پیشنهاد می‌کنید:**

- حفظ نام فدائی با تمام مشخصات آن

- انتخاب نام جدید

- انتخاب نام ترکیبی که در آن فدائی گنجانده شده است.

- انتخاب نام جدید و آوردن نام فدائی در پرانتز

- نام پیشنهادی شما

**ما برای همکاری و اتحاد نیروهای جمهوریخواه دمکرات و سکولار تلاش می‌کنیم**



## اعلامیه مشترک

### ۱۶ آذر، پرچمی افراشته بر فراز مبارزات جنبش دانشجویی ایران

جنبش دانشجویی در کشور ما یکی از پایدارترین و تاثیرگذارترین جنبش‌های اجتماعی است. این جنبش تاریخ پرفراز و نشیبی در مبارزه علیه استبداد و برای آزادی و عدالت اجتماعی را سپری کرده است. اما در تاریخ این جنبش، ۱۶ آذر ۱۳۳۲ از جایگاهی ویژه برخوردار است. ۱۶ آذر مشعلی است فروزان بر فراز جنبش دانشجویی. جنبشی که همبستگی، مقاومت و امید به تحول را در کشور ما اشاعه می‌دهد.

دانشجویان دانشگاه تهران در ۱۶ آذر سال ۱۳۳۲ به اعتراض علیه رژیم شاه برخاستند. پاسخ رژیم شاه و نیروهای سرکوب آن به اعتراض دانشجویان، گلوله بود. گلوله‌های رژیم کودتا سینه دانشجویان: مصطفی بزرگ‌نیا، مهدی شریعت رضوی و احمد فندجی را شکافت و خون آن‌ها صحن دانشگاه را رنگین کرد. استبداد ستم شاهی صدای خروشان جوانان کشور را برتافت و لبه تیز حمله و سرکوب خود را متوجه دانشجویان و دانشگاه‌ها کرد. استبداد ولایی نیز با شدت و خشونت بیشتری همان راه را پیمود.

سرکردگان جمهوری اسلامی دریافته‌اند که دانشجویان و دانشگاهیان، نیروی آگاه، امیدآفرین، شجاع و تاثیرگذار بر روند رشد و تحول سیاسی و فرهنگی جامعه هستند. لذا آن‌ها لحظه‌ای از مقابله، رو دررویی و سرکوب جنبش دانشجویی کوتاه نیامده و تمامی مساعی خود را بکار گرفته‌اند تا با اجرای ترفندها و سناریوهایی چون انقلاب فرهنگی، نفوذ حوزه‌ها در مراکز دانشگاهی، دانشگاه این مرکز روشنگری را به عقب رانده و ناکارآمد کنند.

همه ساله در سالگرد ۱۶ آذر، دانشجویان و حکومت در برابر هم صف‌آرایی می‌کنند. دانشجویان به میدان می‌آیند تا خواست آزادی و عدالت را رساتر فریاد کنند. در سال ۱۳۷۸ تقابل حکومت و دانشجویان، رویداد خونین ۱۸ تیر را آفرید. جمهوری اسلامی به دنبال این رویداد، برای دور کردن دانشگاه‌ها از مبارزات جاری جامعه به ستاره‌دار کردن دانشجویان معترض، دستگیری و زندان فعالان دانشجویی و تحمیل فضای پادگانی در دانشگاه‌ها متوسل شده است.

در جمهوری اسلامی تبعیض در دانشگاه‌ها شدت گرفته است. گزینش جنسیتی و گسترش روند پول‌سازی در عرصه آموزش عمومی و افزایش بی‌رویه مدارس غیر انتفاعی با امکانات ویژه و میدان دادن به موسسات آموزشی وابستگان به نهادهای قدرت، که به نام خصوصی سازی انجام می‌شود، از جمله سیاست‌هایی است که شرایط نابرابری را در رقابت‌ها رقم می‌زند. تاثیرات این روند مخرب به ویژه برای فرودستان جامعه بیشتر بوده و فشارهای مالی زیادی به دانشجویان و خانواده‌های آنان وارد کرده است. ادامه این روند، ورود دانشجویان کم درآمد را به دانشگاه‌ها بسیار دشوار نموده است.

#### ما بر مطالبات جنبش دانشجویی تاکید داریم:

- برداشتن نگاه امنیتی از دانشگاه و فعالیت‌های صنفی، علمی، سیاسی و فرهنگی و جایگزینی نگاه مدرن، اعتماد آفرین و قانون‌مدار.
- انتخاب و گزینش مسئولین دانشگاه‌های ایران از میان اساتیدی که شأن علم و هم زیستی ضروری دانش و آزادی را به تمامی قدر نهند.
- فراهم ساختن زمینه‌های بازگشت بی‌قید و شرط اساتدان اخراجی و دانشجویان ستاره‌دار به دانشگاه‌ها.
- آزادی بی‌قید و شرط دانشجویان زندانی و پایان دادن به جو پلیسی و ارباب در دانشگاه‌ها.
- به رسمیت شناختن تشکل‌های مستقل و سراسری دانشجویی و ایجاد فضای مساعد برای فعالیت‌های صنفی، سیاسی و فرهنگی دانشجویان.
- به رسمیت شناختن حق استقلال و خودگردانی دانشگاه‌ها و برقراری روندهای دموکراتیک در تصمیم‌گیری‌ها و اداره دانشگاه.
- احیای مجدد رشته‌های علوم انسانی و پایان دادن به اجرای طرح ارتجائی تبعیض جنسیتی و عقیدتی در گزینش اساتید و دانشجویان و برچیدن پذیرش تک جنسیتی در برخی از رشته‌های دانشگاهی.
- تغییر سیستم کنونی پذیرش دانشجو و رفع تبعیض در آن.
- لغو طرح کارورزی

ما براین باوریم که علیرغم تنوع و تکرر اندیشه‌ها در بین دانشجویان، استقلال دانشگاه از حکومت، آن حلقه محکم و پایدار است که اگر دانشجویان راهنمای خود قرار دهند، می‌توانند در دستیابی به خواسته‌های خود نیرومندتر و موثرتر عمل کنند.

ما سه جریان چپ که برای آزادی و رهائی مردم مبارزه می‌کنیم، با گرمی داشت یاد و خاطره تمامی جانباختگان جنبش دانشجویی و با ارج‌گذاری به مبارزه دانشجویانی که در شرایط سخت و دشوار ایستادگی می‌کنند، از تمامی جریان‌های سیاسی، تشکل‌های دانشجویی و همه کسانی که حرمت انسان را پاس می‌دارند دعوت می‌کنیم که صدای دادخواهی دانشجویان را علیه سرکوب و استبداد، بر طنین نمایند.

#### پاینده و بر توان باد جنبش دانشجویی ایران

هیئت سیاسی - اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

هیئت مسئولین کنشگران چپ

هیئت هماهنگی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران - طرفداران وحدت چپ

۱۶ آذر ۱۳۹۶ (۷ دسامبر ۲۰۱۷)

## اعلامیه مشترک

### تصمیم ترامپ، دامن زدن به آتش جنگ و علیه صلح است!

دونالد ترامپ در ادامه سیاست‌های جنگ‌طلبانه و نابخردانه، همانند مخالفت با برجام، خروج از توافق‌نامه اقلیمی پاریس و حمایت از سیاست‌های جنگ‌افروزان سران عربستان در خاورمیانه، تصمیم به انتقال سفارتخانه آمریکا از تل‌آویو به بیت‌المقدس (اورشلیم) گرفته است. تصمیم ترامپ، اعتراض جهانیان و خشم و خروش فلسطینی‌ها را برانگیخته است. در تعدادی از کشورهای مردم به خیابان‌ها آمده و علیه آمریکا شعار می‌دهند. در بیت‌المقدس و مناطق کرانه باختری، نیروهای امنیتی اسرائیل به روی جوانان فلسطینی معترض، گلوله‌های پلاستیکی و گاز اشک‌آور شلیک کردند. طبق اعلام صلیب سرخ فلسطین، در جریان درگیری‌ها حداقل ۳۰۰ فلسطینی زخمی و دو نفر نیز کشته شدند. اسماعیل هنیه رهبر گروه حماس از فلسطینی‌ها خواسته است تا در اعتراض به تصمیم ترامپ دست به انتفاضه (قیام) جدید بزنند.

دولت اسرائیل بخش شرقی بیت‌المقدس را در جنگ ۱۹۶۷ به اشغال خود در آورده و در سال ۱۹۸۰ آن را ضمیمه خاک خود نموده است. فلسطینی‌ها اشغال بخش شرقی بیت‌المقدس را تا کنون نپذیرفته‌اند. آن‌ها شرق بیت‌المقدس را پایتخت کشور مستقل آتی خود می‌دانند. اما اسرائیل هر دو بخش شرقی و غربی بیت‌المقدس را پایتخت "ابدی و تفکیک‌ناپذیر" خود می‌داند. در حالی که در دسامبر سال گذشته، سازمان ملل با صدور قطع‌نامه‌ای اعلام کرد که فقط مرزهای توافق ۴ ژوئن ۱۹۴۷ را به رسمیت می‌شناسد و هرگونه تغییری در وضعیت بیت‌المقدس می‌بایست در مذاکره بین فلسطینیان و اسرائیلی‌ها مورد توافق طرفین باشد. دولت باراک اوباما با این قطع‌نامه موافقت کرده و آن را امضاء کرده بود. تصمیم ترامپ مغایر مصوبه قطع‌نامه سازمان ملل متحد است.

مجامع بین‌المللی، اتحادیه اروپا و سران اکثر کشورها با تصمیم نابخردانه ترامپ به مخالفت برخاسته‌اند. آنتونیو گوترش دبیر کل سازمان ملل متحد، با انتشار بیانیه‌ای مخالفت خود را با «تصمیم یک‌جانبه» ای که «صلح بین اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها را به خطر بیندازد» اعلام کرده است. فدریکا موگرینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا با صدور بیانیه‌ای صریحاً اعلام کرد که اتحادیه اروپا "نگرانی جدی" درباره تصمیم ترامپ دارد. کشورهای عربی و اسلامی و برخی چهره‌های مسیحی، از جمله پاپ فرانسیس، تصمیم ترامپ را محکوم کرده‌اند. تنها دولت دست راستی نتانیاها و لابی‌های اسرائیل از جمله "آییک" از آن استقبال کرده‌اند. اعلام بیت‌المقدس به عنوان پایتخت از جانب ترامپ، امید به از سرگیری مذاکرات صلح را به شدت کاهش داده است.

در تداوم اعتراضات و مخالفت‌ها با تصمیم ترامپ، به درخواست فرانسه، بولیوی، مصر، ایتالیا، سنگال، سوئد، بریتانیا و اوورگوئه جلسه فوق‌العاده شورای امنیت سازمان ملل برای پرداختن به این موضوع برگزار شده است. روز چهارشنبه (۱۲ دسامبر) نشست سران سازمان همکاری کشورهای اسلامی نیز در استانبول برگزار خواهد شد و تمامی رهبران کشورهای مسلمان برای پرداختن به موضوع بیت‌المقدس در آن شرکت خواهند کرد.

تصمیم ترامپ به انتقال سفارتخانه آمریکا از تل‌آویو به بیت‌المقدس به معنی نادیده‌گرفتن حقوق مردم فلسطین، نقض بارز قوانین بین‌المللی، همراهی با گروه‌های افراطی در اسرائیل و آمریکا و در حکم جایزه‌دادن به تجاوز و اشغال است. ما تصمیم دولت ترامپ را دامن زدن به منازعه بین فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها و در خدمت جنگ در منطقه دانسته و آن را محکوم می‌کنیم. از نظر ما راه‌حل دیگری به غیر از تشکیل دو کشور مستقل فلسطین و اسرائیل وجود ندارد. شرق بیت‌المقدس به ساکنان آن تعلق دارد و مسئله استقرار پایتخت دولت فلسطین در بیت‌المقدس، می‌تواند در جریان مذاکرات میان دو طرف طرح و حل شود.

**هیئت سیاسی - اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)**

**هیئت مسئولین کنشگران چپ**

**هیئت هماهنگی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران - طرفداران وحدت چپ**

۱۹ آذر ۱۳۹۶ (۹ دسامبر ۲۰۱۷)

### پیام تبریک بمناسبت پیروزی درخشان و تاریخی تیم ملی وزنه برداری

#### میهنمان در آوردگاه جهانی آمریکا



پولاد مردان وزنه‌برداری ایران با حضور آماده و مصمم خود در رقابتهای جهانی وزنه برداری کالیفرنیا آمریکا خوش درخشیدند و شگفتی آفریدند.

با این پیروزی، ایران برای نخستین بار در تاریخ مسابقات این رشته ورزشی قهرمان جهان شد. در این آوردگاه جهانی، ملی پوشان وزنه‌برداری میهنمان با اقتدار موفق به کسب ۵ مدال طلا، ۲ نقره و ۶ برنز شدند. کشورهای کره جنوبی و ازبکستان بترتیب در جایگاه دوم و سوم ایستادند.

ایستادن تیم ملی وزنه برداری ایران برای نخستین بار بر سکوی قهرمان جهان موجی از شادی و نشات را برای مردم و جامعه ورزشی میهنمان به ارمغان آورد

ما این پیروزی درخشان را که نشان از اراده و عزم راسخ، استعداد درخشان و ظرفیت بالای ورزشکاران میهنمان و بطور یقین بهره‌گیری از مربیان کارآزموده را دارد، به مردم ایران، ورزشکاران قهرمان، مربیان مجرب و جامعه ورزشی تبریک گفته و پیروزی و سرافرازی ورزشکاران میهن را آرزومندیم

**گروه کار جوانان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)**

پنج‌شنبه ۱۶ آذر ۱۳۹۶ (۷ دسامبر ۲۰۱۷)

## ابراز خرسندی از یک قتل! سیامک سلطانی



### یادداشت سیاسی کارآنان

با کشته شدن علی عبدالله صالح، یکی دیگر از شخصیت‌های کاربزمای منطقه که از ماه ژوئن سال ۱۹۸۷ توسط پارلمان این کشور به مقام ریاست جمهوری انتخاب شده، و تا سال ۲۰۱۱ قدرت را به دست داشت، به سرنوشتی مشابه صدام حسین و معمر قذافی دچار شد.

تردیدی در این واقعیت وجود ندارد که یکی از دلایل اصلی وضعیت فاجعه‌بار زندگی مردم در یمن، همانا اعمال دیکتاتوری خشن از جانب صالح بود در ۲۴ سال تکیه برمسند قدرت در این کشور؛ هرچند در مواقعی تلاش‌های ناپیکیری نیز در جهت شکستن پوسته ضخیم جامعه قبیله‌ای، از جانب او صورت گرفتند، اما به دلیل شیفتگی به قدرت و استفاده ازهمین فاکتور روابط قبیله‌ای در تقسیم پست‌های کشوری و لشکری میان هم طایفه‌ای‌ها، موجب آن گشت که به هنگام وزش "نسیم" بهار عربی در این کشور، نخستین اعتراضات علیه دولت نیز از مناطق جنوبی این کشور آغاز گردید.

هرچند صالح از سال ۲۰۱۱ دیگر رئیس جمهور یمن نبود، اما به دلیل روابط نیرومند قبیله‌ای، و رد پای «۲۴ سال» حفظ قدرت، او همچنان در زمره شخصیت‌های مهم و تاثیرگذار در اوضاع یمن، محسوب می‌گردید؛ به دلیل همین نفوذ بالا در میان نیروهای مطرح این کشور بود که اعلام آمادگی او برای مذاکره و همکاری با عربستان و ائتلاف تحت رهبری عربستان در جنگ با یمن، برای دستیابی به توافقی که آغاز آن، عدم بمباران و حمله به مناطق محل زندگی مردم عادی یمن بود، موجب هراس در میان حوثی‌ها، این متحدین دیروز صالح، گردید. حوثی‌ها در نخستین گام، اقدام به سرکوب نیروهای وفادار به صالح در صنعا نمودند که اوج این حرکت، انفجار خانه صالح بود در مرکز صنعا؛ که در نهایت با حمله به اتموبیل حامل صالح و قتل او منجر گردید.

در این‌جا آنچه موجب تأسف است، ابراز خرسندی از قتل صالح از جانب مقامات مختلف جمهوری اسلامی است. این ابراز خرسندی که آشکارا در گفته‌های سردار جعفری و ولایتی صورت گرفتند، نمی‌تواند موجب نگرانی نیروهای نگرده که جنگ در یمن را جنگ میان ۲ ارتجاع می‌بینند و فاجعه‌ای که بر مردم این کشور می‌رود را نیز نتیجه تقابل این ۲ نیروی ارتجاعی، ارزیابی می‌کنند. اگر نقش صالح در وضعیت کنونی یمن تا بدان میزان مهم و تاثیر گذار بود که سمت گیری او به سمت مذاکره و گفتگو با عربستان و نیروهای ائتلاف، چنین واکنشی را از جانب حوثی‌ها به همراه داشت، پس می‌توان حدس زد که چنین سمت‌گیری می‌توانست موجب تغییر و تحولاتی محسوس در اوضاع کنونی این کشور بلازده گردد. به همین دلیل از قتل صالح باید مناسف بود و نه شادمان؛ زیرا که نتیجه این قتل، تداوم جنگ و بلایای همراه آن در شکل ویرانی، مرگ است که از یک‌سو در قامت انفجار بمب و غرش توپ‌ها و تانک‌ها، و از سوی دیگر به شکل قحطی، گرسنگی، وبا و ... تجسم می‌یابد.

ابراز خرسندی مقامات جمهوری اسلامی از قتل صالح از یکسو، و تلاش به کشیدن شعله‌های جنگ به دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس با اقداماتی نظیر پرتاب موشک به تاسیسات هسته‌ای در حال احداث ابوظبی، در کنار تداوم اعلام مواضع خصمانه از جانب عربستان و جمهوری اسلامی به آدرس یکدیگر، برای مردم ایران و عربستان و نیز یمن و دیگر کشورهای منطقه، نمی‌تواند وحشت‌انگیز نباشد. تداوم تهدیدهای متقابل میان عربستان و جمهوری اسلامی، از یک سو به سود جنگ طلبان و کسانی خواهد بود که «تداوم حکومت» را در «تداوم جنگ» و تولید دشمن می‌بینند، و از سوی دیگر، انحصارات تولید و فروش اسلحه، که حیات خود را با تداوم جنگ‌ها گره می‌زنند.

ایستادگی در برابر جنگ و جنگ‌طلبان وظیفه همه مردم منطقه ماست. بسیج مردم در منطقه به حرکتی مشترک در جهت مقابله با سیاست‌های جنگ طلبانه از هر دو طرف، وظیفه‌ای است تاخیر ناپذیر که در برابر نیروهای مترقی و صلح‌دوست منطقه قرار گرفته است.

## به بهانه ۱۶ آذر روز دانشجو

### سیامک کلهر

جوانان به دنبال ساختن جامعه‌ای متمدن و پیشرو هستند که با جهان امروز هماهنگی داشته باشد. دانشجویان آن نیروی امید افزینی هستند که نشان خود را بر تحولات اجتماعی می‌کوبند. جنبش دانشجویی بخش جدایی ناپذیری از جنبش‌های مردمی است و دانشجویان به رغم تنوع در نظر و خواصگاه‌های اجتماعی‌شان منعکس کننده حقوق محرومین هستند.

جمهوری اسلامی از همان سال‌های روی کار آمدنش کوشش کرد کلیه برنامه‌های آموزشی و محتوای دروس دانشگاهی را با مبانی دینی و ایدئولوژی حاکم انطباق دهد. و برای پیشبرد این سیاست که در تقابل با علم و اندیشه و مدرنیته قرار دارد از هیچ کوشش فرو گذار نکرده است. از حذف دروس علمی و رشته‌های علوم انسانی و جایگزین کردن مبانی فقهی به جای دروس گرفته تا اخراج و دستگیری دانشجویان و استناد مجرب و متعهد دانشگاه‌ها و حذف گسترده غیر خودیها و گماردن عوامل وابسته بخود. از نظر مسولین جمهوری اسلامی مبانی دینی و فقهی بر علم و دانش ارجحیت دارد. بدین ترتیب تلاش برای تحقق دموکراسی و مدرنیته در مقابله با اقتدارگرایی و سنت، ضرورت استقلال دانشگاه از نهاد قدرت را به موضوع روز این جنبش فرارویاند و آنرا در جایگاه نیروی بالنده و ناقد حاکمیت ولایتی چهره نما کرد.

اکنون و در شرایطی که بیش از هر زمان دیگر کشور ما نیازمند توجه به امر آموزش رایگان و تامین امکانات فراگیر آموزش عمومی در تمامی سطوح می‌باشد، مسئولان امور سرگرم خصوصی سازی بخش آموزش و کالایی کردن هرچه بیشتر تحصیل و آموزش هستند. این اقدامات در شرایطی صورت می‌گیرد که نزدیک به یک سوم جمعیت ایران از دسترسی به ابتدایی ترین امکانات زندگی محرومند و در فقر و گرسنگی روزگار می‌گذرانند و نمی‌توانند هزینه‌های تحصیل فرزندان خود را تامین کنند. دنبال نمودن سیاست خصوصی سازی تحصیل و آموزش و گسترش ظلم و بی عدالتی صدمات زیادی به فرزندان کارگران و زحمتکش‌ان و طبقات فرودست جامعه وارد می‌کند.

امروز دانشجویان خواهان بر چیدن کلیه ارگانهای امنیتی از محیط دانشگاه‌ها و سپردن امور به نهادهای مستقل دانشجویان و استادان هستند. آنها مخالف تهمی نمودن محتوای علمی کتاب‌های رشته علوم انسانی هستند. دانشجویان خواستار لغو کامل تفکیک جنسیتی و سهمیه بندی بر مبنای جنسیت، حذف قوانین تبعیض آمیز علیه دختران دانشجو و مشارکت یکسان و بدون تبعیض زنان و مردان دانشجو در تمام امور مربوطه هستند، بازگرداندن دانشجویان ستاره دار و استادان اخراجی به کار و دانشگاه‌ها از دیگر مطالبات اساسی دانشجویان هستند.

دانشجویان ایران بدرستی دریافته‌اند و اعلام کرده‌اند که با تشکلیابی فراگیر و شوراهای صنفی می‌توانند برنامه‌ها و قوانین دانشجو ستیز را به چالش بکشند. دانشجویان نیک می‌دانند که اعتراضات صنفی دانشجویی لازم ست با مبارزات برحق کارگران، معلمان، زنان و تمام محرومان و مطرودان اجتماع پیوند زده شود.

## بعد از داعش، نوبت جمهوری اسلامی است!

### بهر روز خلیق



#### یادداشت سیاسی کارآلاین

جمهوری اسلامی به یک قدرت منطقه‌ای تبدیل شده است. سران حکومت ایران مدعی‌اند که هیچ عملیات تعیین‌کننده‌ای در عراق، سوریه، لبنان، شمال آفریقا و منطقه خلیج فارس بدون رضایت ایران نمی‌تواند رخ دهد. واقعیت این است که عراق، دمشق و بیروت در کنترل کامل جمهوری اسلامی نیست اما به‌خاطر وجود گماشتگان و متحدان، جمهوری اسلامی می‌تواند در میدان‌های جنگ و سیاست در منطقه، نقش موثر ایفاء کند.

در سال‌های گذشته جمهوری اسلامی بردهای غیر قابل انکاری در منطقه داشته است. در لبنان شکل‌گیری محور جمهوری اسلامی و حزب الله توانست نفوذ عربستان سعودی را به حاشیه براند. حزب الله به ارتش رسمی و همیشه آماده جنگ در لبنان تبدیل شده و توانسته است حملات اسرائیل به لبنان را مهار نماید. فشار اسد با حمایت روسیه، جمهوری اسلامی و حزب الله در قدرت مانده است. در عراق هم حمایت عربستان از جریان‌های سنی نتیجه مطلوب سعودی‌ها را نداده و بساط داعش که در چند سال اول از حمایت عربستان و برخی شیخ‌نشین‌ها برخوردار بود، برچیده شده است. عربستان و نیروهای ائتلافی در یمن هم نتوانستند برحونتی‌ها که جمهوری اسلامی از آن‌ها پشتیبانی می‌کند، پیروز شوند. می‌توان گفت که در جنگ‌های نیابتی، عربستان به جمهوری اسلامی باخته است.

جمهوری اسلامی پایه گسترش نفوذ خود را عمدتاً بر شیعه‌گری و شیعیان و دشمنی با اسرائیل و آمریکا گذاشته و از دولت‌ها و جریان‌های شیعی مخالف اسرائیل در کشورهای مختلف همه‌جانبه حمایت می‌کند.

قدرت‌گیری منطقه‌ای جمهوری اسلامی برپایه شیعه‌گری و دشمنی با آمریکا و اسرائیل، با دشمنی دولت ترامپ روبرو شده است.

دولت ترامپ و متحدین منطقه‌ای آن از افزایش قدرت جمهوری اسلامی و تبدیل

شدن آن به قدرت منطقه به شدت نگرانند. آن‌ها نفوذ جمهوری اسلامی در منطقه را که یک پایش در جنوب عربستان - حوثی‌ها در یمن - و یک پایش در شمال عربستان - عراق - است را بر نمی‌تابند و از آن احساس خطر می‌کنند.

#### ضدیت دولت ترامپ با جمهوری اسلامی

دونالد ترامپ کابینه‌اش را از عناصر نظامی ضدجمهوری اسلامی چیده است. در دولت‌های قبلی آمریکا تا این میزان مناصب کلیدی در دست نظامیان نبود. آنهم نظامیان ضدجمهوری اسلامی: جان کلی، ریاست ستاد کاخ سفید، ژنرال متیس، ریاست پنتاگون، ژنرال مک‌مستر، ریاست شورای امنیت ملی آمریکا و جول ری‌بورن افسر عالی‌رتبه نظامی که در شورای امنیت ملی آمریکا مسئولیت مهمی برعهده دارد. این ژنرال‌های نظامی در عراق، افغانستان و لبنان پست‌های فرماندهی نظامی را برعهده داشتند و نیروهای تحت فرماندهی آن‌ها ضربات سنگینی را از جانب نیروهای نظامی مورد حمایت جمهوری اسلامی متحمل شده‌اند. با قدرت‌گیری نظامیان در کابینه دولت ترامپ، از نقش وزارت خارجه آمریکا و دیپلمات‌های ارشد آن کاسته شده و تأثیرگذاری دیپلمات‌های ورزیده در سیستم تصمیم‌گیری فعلی آمریکا به حداقل رسیده است.

ایوانکا - دختر ترامپ - و جرد کوشنر همسر وی با وجود فقدان تجربه سیاسی نقش بس مهمی در کاخ سفید و در تصمیم‌گیری‌ها آن دارند. کوشنر از یک خانواده معروف یهودی آمریکایی است. او برای نتانیاهو مسیر نفوذ و تأثیرگذاری بر تصمیمات کاخ سفید است. در جریان بحران هسته‌ای، لابی یهودی و اعراب در آمریکا علیه جمهوری اسلامی متحد شدند. ولی نتوانستند بر سیاست‌های دولت اوباما تأثیر بگذارند. در دولت ترامپ لابی تل‌آویو - ریاض - ابوظبی در تحمیل خواسته‌های خود موفق شده‌اند.

مجموعه عوامل فوق، ضدیت دولت آمریکا با جمهوری اسلامی را عمیق‌تر کرده است. زمان سرکار آمدن دولت ترامپ، هنوز

سیاست دولت جدید نسبت به جمهوری اسلامی مدون نبود. چند ماه طول کشید که دولت ترامپ سیاست خود را نسبت به جمهوری اسلامی تدوین کند. گرچه در مواردی هنوز نوسانات و تناقض‌ها در سیاست دولت ترامپ نسبت به جمهوری اسلامی دیده می‌شود، ولی می‌توان گفت تا حدود زیادی سیاست دولت ترامپ نسبت به جمهوری اسلامی شکل گرفته و ثبات پیدا کرده است.

سیاست دولت ترامپ نسبت به جمهوری اسلامی در خطوط زیر قابل ترسیم است:

۱. مهار قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی و عقب نشاندن آن به مرزهای ایران، در راس سیاست دولت ترامپ است.

۲. اعمال تحریم‌های شدید اقتصادی و به ویژه مالی و ضربه زدن به اقتصاد کشور.

۳. ترامپ سپاه را عامل گسترش نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی می‌داند و می‌خواهد به آن ضربه کاری بزند. لذا سپاه پاسداران و شرکت‌های وابسته به آن در کانون تحریم‌ها قرار گرفته است

۴. حمله نظامی مستقیم به ایران در برنامه مقدم دولت ترامپ نیست. ولی ضربه زدن به جمهوری اسلامی به انحاء مختلف در مناطق نفوذ جمهوری اسلامی، در دستور دولت ترامپ قرار گرفته است.

دولت ترامپ جمهوری اسلامی را دولت شرور، حامی تروریسم و توسعه طلب می‌داند. از نظر حکومتگران آمریکا، عمر داعش به پایان رسیده و اکنون نوبت جمهوری اسلامی است.

با قرار گرفتن جمهوری اسلامی در جایگاه دشمن اصلی دولت آمریکا، تنش و درگیری بین دو دولت افزایش خواهد یافت. جمهوری اسلامی با پیشبرد سیاست توسعه طلبی در منطقه، تداوم خصومت با آمریکا و سیاست نابودی دولت اسرائیل، نمی‌تواند خطر درگیری با دولت ترامپ و متحدین منطقه‌ای وی را کاهش دهد. لازمه کاهش و رفع خطر درگیری، واگذاری تدوین و پیشبرد سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی از سپاه و سپاه قدس به دستگاه دیپلماسی و ترک آن سیاست‌های فاجعه بار است.

#### کودکان کار، ...

ادامه از صفحه ۹

در زمستانها زندگی بر آنان سخت تر میگردد و تنها وسیله گرما بخش آنان آتش زدن تکه های چوب ویا مقواست. .  
کودکان کار و کودکان خیابانی هنگام عبور از خیابانها به رستورانها وخودروهای شیک وتبلیغ کالاهای گوناگون باحسرت وماتم مینگردند و شب را درخانه های محقر یا کارتن ها درحسرت آرزوهای برنیامده بخواب می روند اما فردا بیرحم تر از دیروز زندگی رنجبارتر وتحقیر آمیزتر آنان آغاز می شود. هیچ کودکی مایل نیست که زندگی در کانون خانواده وآموزش در مدارس وبازی و ورزش را در پارکها و میادین ورزشی رها کند وبه کارهای طاقت فرسا ویا ولگردی بگذارند. اما توزیع ناعادلانه ثروت دستاوردی جز فقر وحقارت وبی خانمانی برای بیش از ۲۴۰ هزار کودک کار و خیابانی میهن مان نداشته است شهرهای مشهد و قم این دو ام القرای اسلامی بیشترین میزان کودکان خیابانی را دارند. با یک دهم بودجه ای که صرف هزینه های مقبره امامزاده ها میشود میتوان وضعیت کودکان کار وخیابانی را سرو سامان بخشید. سازمانهای مربوطه هرچند وقت یکبار بجمع آوری کود کان خیابانی میپردازند اما چون در این زمینه دارای برنامه ریزی بلند مدت وجدی نیستند، ناموفق بوده اند.

بدیهی است که با در نظر داشت توزیع ناعادلانه ثروت وعدم حمایت از خانواده های فقیر وعدم اسکان وباز پروری کودکان خیابانی روز به روز میزان کودکان خیابانی وکار افزوده خواهد شد.

## پارادوکس محمد بن سلمان

### علی پورنقوی



#### داداشت سیاسی کارآلاین

آنچه امروزه روز و در ماه های اخیر به ارتکاب و ابتکار محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی، در سیاست داخلی و خارجی این کشور جریان دارد، می تواند مقطعی ماندنی را در تاریخ این کشور و حتی فراتر از آن، در منطقه شکل دهد؛ مقطعی تاریخی، اما نه به تعبیری الزاماً مثبت.

واقعیت این است که مجموعه رویدادهای جاری در عربستان، در حالی که هنوز شکل نهائی به خود نگرفته، مجموعه ای است سخت متناقض و مشتمل بر رویدادهائی از سوئی جنایتبار، خطرناک، ماجراجویانه، شتابزده، و از سوی دیگر امید بخش و اصلاحی، که می تواند به فضاوتها و موضعگیریهای یکجانبه ای نسبت به آن راه ببرد. به ویژه جامعه سیاسی ایران در معرض چنین فضاوتها و موضعگیریهای یکجانبه نسبت به روند جاری در عربستان است؛ بخشی از آن در تأثر از رقابت سنگین بین عربستان و جمهوری اسلامی برای کسب هژمونی منطقه ای، بخشی دیگر در تأثر از تمایلات دیرینه ضدعربی در میان ایرانیان، و بخش سومی در تنگنای فقدان سیاست.

محمد بن سلمان، در تعجیلی که مورد توجه و وفاق عموم ناظران است، در کار برداشتن "چندین هندوانه با یک دست" است. از سوئی او می کوشد، همان ایده "زاندن جمهوری اسلامی به پشت مرزهای خود" را از طریق سه گانه "اسرائیل، امریکا، عربستان" قطعیت بخشد و آن را فعال کند؛ یعنی علیرغم اظهارات وزیر خارجه اش دایر بر این که در صدد برخورد نظامی با ایران نیست، مناسبات را به سمت رودرروئی نظامی دیگری در منطقه سوق دهد. این واقعیت که کفه ترازو در هر چهار میدان جنگ نیابتی بین دو کشور - یعنی در سوریه، عراق، لبنان و یمن - به نحو محسوسی به نفع جمهوری اسلامی حرکت کرده، موجب نزدیکی بی سابقه ای بین اسرائیل و عربستان شده است. اما هنوز روشن نیست که امریکا قطعاً و تا چه حدودی، با این نقشه همراه شود. اعلامیه هفته گذشته جیمز ماتیس دایر بر ادامه حضور امریکا در شرق سوریه و اظهارات نتانیاهو دایر بر تقویت مواضع امنیتی اسرائیل در سوریه مؤید نزدیکیهای سه طرف برای ایجاد این سه گانه اند. به علاوه اخیراً شاهد تحركات جرد کوشنر، داماد و مشاور ترامپ، در تماس با اسرائیل و عربستان نیز بوده ایم. برخورداری کوشنر از اختیار تام برای پیشبرد امر "صلح خاورمیانه"، شاهدهی از یک تعادل ممکن در سه گانه گفته شده است.

همچنین در پیوندی مستقیم با این

سلمان مناسبترین فرد از این خاندان برای غلبه بر فرسودگی آن بوده است، یا مناسبترین فرد برای این "رسالت" باقی خواهد ماند، ممکن است حتی نتواند جوابی تاریخی هم بیابد.

اما محمد بن سلمان همچنین در صدد است اسلامی "میانه رو" را در برابر وهابگیری، که قرائتی سخت بنیادگرا از تسنن است، معرفی کند؛ برنامه بلندپروازانه ای زیر نام چشم انداز ۲۰۳۰ برای تقلیل وابستگی اقتصاد عربستان به نفت و در نتیجه گسترش بازار کار این کشور دارد\*؛ و تا کنون نیز به اصلاحاتی در حضور به شدت بسته زنان در جامعه عربستان زده است: اصلاحاتی که به امکان دوچرخه رانی و رانندگی زنان، مشروط به حضور یک "قیم"، نمی شوند، بلکه از جمله متوجه جلب زنان بیشتری به بازار کار، که در حال حاضر فقط ۲۲ درصد آنان را دربرمی گیرد، نیز می شوند.

نسبت به امکان موفقیت این برنامه ها می توان تردید داشت؛ می توان "چشم انداز ۲۰۳۰" را، که ماحصل کار یک بنیاد خارجی (مک کینزی) برای تحول جامعه عربستان است، نکوهش کرد و تخیلی دانست؛ می توان مدیریت این تغییرات را از آن رو که خود را همزمان در جبهه های متعددی مشغول داشته است، بی تجربه دانست؛ می توان تجربه شاه را در "تعجیل" برای اصلاحات خاطرنشان کرد، یا درست برعکس محدودیت اصلاحات را دستمایه نفی آنها قرار داد، می توان نیات خودغرضانه ای را در پس اصلاحات مورد نظر ردگیری کرد، ... اما نمی توان نسبت به برنامه "چشم انداز ۲۰۳۰" بی تفاوت ماند، زیرا اگر این برنامه به شکست هم بیانجامد، باز تجربه ای برای جامعه ما نیز هست که با مسئله بسیار مشابهی دست به گریبان است و سیاستگذاران جمهوری اسلامی برای رفع آن هنوز از "اقتصاد مقاومتی" فراتر نرفته اند. نمی توان الزام و نیاز جامعه عربستان، خاصه در راستای حقوق زنان، به اصلاحات را منکر شد و نسبت به این واقعیت بی تفاوت ماند که التهاب هم اینک حاکم بر منطقه تا حدودی درست با واقعیت تأخیری تاریخی در اصلاحات مورد نظر محمد بن سلمان تعیین می شود و این اصلاحات در صورت تحقق می توانند به تضعیف زمینه های افراط در داخل عربستان و تنش در منطقه کمک رسانند.

در مجموعه رویدادهای متناقض جاری در عربستان نمی توان از تشخیص تهدیدها و فرصتهای دوشادوش بازماند.

\* این برنامه ابتکار محمد بن سلمان نیست. فرسودگی اشاره شده در جامعه عربستان، از جمله در اقتصاد آن، پیشتر از این آل سعود را به الزام دگرگونی بنیانی در ساختار اقتصاد کشور رهنمون شده بود.

رقابت منطقه ای اما همچنین مستقل از آن، از پس از برآمد محمد بن سلمان به عنوان نفر نخست سیاست عربستان و نیز به عنوان وزیر دفاع این کشور، عملیات جنایتبار نظامی عربستان علیه یمن شدت گرفته اند: بی توفیقی برای عربستان و بی چشم اندازی برای آینده این مناقشه. الا این که ناکامی عربستان برای خاتمه دادن به آن - در حالی که در مقایسه با دیگر میدانهای جنگ نیابتی بین جمهوری اسلامی و عربستان، جمهوری اسلامی در این میدان طرف چندان فعالی هم نیست - قاعدتاً دشواریهای عربستان را برای ورود به یک رودرروئی مستقیم نظامی با جمهوری اسلامی آشکار کرده است. این کیفیت موجب تقویت انگیزه محمد بن سلمان برای نزدیکی به اسرائیل بوده است.

نمونه هائی از اقدامات ناسنجیده و شتابزده محمد بن سلمان، همچون اعمال فشار بر قطر برای فاصله گرفتن از جمهوری اسلامی و "کناره کشاندن" سعد حریری از نخست وزیری لبنان در هنگام اقامت اش در عربستان به منظور محدود کردن حزب الله را، باید به موارد پیشگفته افزود تا وجه جنایت بار، خطرناک، شتابزده و ماجراجویانه ارتکابات او به دست داده شود. وجهی که به تنش در منطقه تداوم می بخشد و راه را بر فجایع احتمالی دیگری در منطقه فاجعه بار خاورمیانه می گشاید. وجهی که برای تحقق هژمونی منطقه ای عربستان و در ضدیت با ایران و تشیع استوار شده است. تردیدی نیست که موضع معارضة (ابوزیسیون) در برابر جمهوری اسلامی نمی تواند و نباید مانع از محکوم کردن و مخالفت با این وجه از اقدامات محمد بن سلمان گردد. این مخالفت درست مکمل معارضة علیه سیاست منطقه ای جمهوری اسلامی است که باید جای خود را به سیاستی متوجه ابتکارات بین المللی برای حل تنشها و "عقب نشینی جبران پذیر" توسط جمهوری اسلامی بسپارد.

وجه دیگر اقدامات محمد بن سلمان بدون تردید متوجه تثبیت موقعیت او در درون خاندان آل سعود و تسجیل پادشاهی آتی وی، در زمان حیات پدرش، ملک سلمان است. دستگیری ده ها نفر از شاهزادگان این خاندان، وزرای سابق و مقامات کنونی عربستان، ولو کسانی چون ولید بن طلال هم در میان دستگیرشدگان باشد، غیر از این نیست که زیر پوشش مبارزه با فساد، مبارزه ای حاد برای قدرت در خاندان سعودی جریان دارد. این مبارزه ای است درونی در خاندانی به مثابه یک کل ارتجاعی. گفته می شود فرسودگی در این خاندان و در عربستان چندان بوده است، که اگر محمد بن سلمانی هم نمی بود، آل سعود برای بقای خود او را خلق می کرد. این که آیا محمد بن



## کودکان کار، در آرزوی رفاه و محبت اما درمنجلاب فقر و تجاوز



### یداله بلدی

بسیستم نوامبر بعنوان روز جهانی کودک نام گذاری شده است. کودکان آسیب پذیر ترین گروه سنی جامعه هستند که میزان آسیب پذیری آنان به میزان توسعه یافتگی و امنیت و رفاه در هر جامعه ای بستگی دارد.

روزانه ۱۷ هزار کودک در افریقا بر اثر گرسنگی و عدم دسترسی به بهداشت و درمان می میرند که حتی با کشورهای آسیایی و امریکای لاتین نیز قابل مقایسه نیست.

کار اجباری بر اثر تهیدستی و احتیاج و تجاوز، دردناکترین آسیبهایی هستند که به کودکان روا میشود و زندگی این ستمدیدگان را به ورطه سقوط و تباهی می کشاند. در کشور ما نیز به علت عدم توزیع ناعادلانه ثروت و استفاده یکسان کودکان از امکانات موجود و فقدان امنیت اجتماعی در سالهای اخیر کودکان بزرگترین قربانی بی عدالتی بوده اند.

آقای قدیمی معاون اجتماعی شهرداری تهران چند روز پیش اعلام داشت که ۹۰ درصد کودکان خیابانی مورد تجاوز قرار می گیرند. این خبر تکان دهنده که در رسانه ها بازتاب یافت، نشانه عمق فاجعه ای ست که در جامعه ما وجود دارد، اما این خبر درد ناک هیچگونه بازتابی از سوی مسئولین و نمایندگان مجلس را در پی نداشت. سال گذشته هم در پی تجاوز به یک دانش آموز معاون امور تربیتی ناحیه گفته بود این عمل با رضایت طرفین بوده است. ماجرای سعید طوسی معلم قران که پرونده اش مختومه اعلام گردید برای افکار عمومی آشکار است.

وجود دهها هزار کودک کار و خیابانی در تهران و شهرهای بزرگ و روستاهای مرزنشین نشانگر بی اهمیتی نظام نسبت به سرنوشت این فرزندان فقیر و بی پناه ملت ماست

کودکان ستمدیده را میتوان به دو بخش تقسیم کرد، کودکان کار و کودکان خیابانی این دودسته با این وجود که دارای تفاوتهایی هستند اما وجوه اشتراک نیز دارند. کودکان خیابانی افزون بر این از کانون گرم خانواده محروم اند، مانند کودکان کار، نه امکان بازی و تفریح و ورزش دارند و نه مانند کودکان دیگر امکان تحصیل و لذت بردن از شادیهای کودکانه دارند. از امکان بازی، تفریحات و ورزشهای کودکانه نیز برخوردار نیستند و بتر از همه آن که در معرض تحقیر و توهین هم قرار دارند.

کودکان کار: کودکان کار به آن گروه از کودکان زیر ۱۵ سال اطلاق می شود که برای تامین هزینه زندگی خود

و خانواده از بام تا شام در سرما و گرما با انجام کارهای گوناگون، برای تامین هزینه های زندگی شان جسم کم توان خود را خسته و فرسوده می کنند.

گروهی از کودکان در خیابانها و کوچه ها و بیابانهای اطراف شهر ویا در زباله دانه درجست و جوی نان خشک، کاغذ، مقوا و بطری هستند و غروب خسته و کوفته کیسه های حاوی دسترنج خود را برشانه های نحیف خود حمل کرده ویا بهای ناچیزی به فروش میرسانند تا لقمه نانی برسفره خالی خانواده خود بنشانند.

گروهی دیگر کودکان دستفروشی هستند که در خیابانها با التماس عابران را به خرید اجناس شان ترغیب می کنند. اجناس عرضه شده آنان عبارتست از آدامس، شکلات، اسباب بازی و مصنوعات دستی.

گروه دیگر کودکانی هستند که سر چهار راهها می ایستند و هنگام توقف خودروها پشت چراغ قرمز با سرعت شیشه های خودرو را می شویند تا شاید مبلغ ناچیزی از راننده دریافت کنند.

گروه سوم کودکانی هستند که توسط باندها ویا والدین معتاد به تکی و گدایی واداشته میشوند و اغلب برای جلب ترحم عابران ظاهری ژولیده و پیریشان دارند ولباسی مندرس برتن دارند.

گروه چهارم کودکانی هستند که به اسارت باندهای فحشا درمیآیند ومورد سو استفاده جنسی قرار میگیرند. این دسته ارکودکان افزون برتحقیر درمعرض ابتلا به بیماری ایدز نیز قرار دارند. گروه پنجم کودکانی هستند که بوسیله باندهای مواد مخدر اجیر میشوند واز آنها برای توزیع وحمل ونقل مواد مخدر سئواستفاده می کنند. این گروه از کودکان خود نیزبوسیله باندها معتاد میشوند تااز آنها بیشتر بهره کشی شود. گروه ششم کودکان کولبرانند که در مناطق مرزی کردستان کالاها را بردوش گرفته و با گذر از کوههای صعب العبور کالای خودرا بفروش برسانند این کودکان در معرض انواع خطرات مانند سقوط ازکوه وبرخورد با مین و یا احتمال اصابت گلوله پاسداران قرار دارند.

کودکانی هم هستند که به کارهای متفرقه مانند وزن کشی، واکس زدن، فال گیری با پرده و یا نواختن سازهای گوناگون روی می آورند.

کودکان خیابانی: کودکان خیابانی آن دسته از کودکانی هستند که بجای حضور در کانون خانواده ومدرسه زندگی خودرا درخیابانها به ولگردی یا گدایی می گذرانند و در سرما و گرمادر کارتن یا خانه های مخروبه ویا ساختمانهای نیمه

ساز ویا زیر پلهای شب را به روز می رسانند.

عوامل افزایش کودکان خیابانی

فقر: در سالیان اخیرسیاستهای رژیم نه تنها براساس فقر زدایی در جامعه نبوده بلکه فاصله عمیق طبقاتی را در جامعه ایجاد کرده است وقشر زحمتکش ومتوسط جامعه را به خط فقرزیر خط فقر رانده است از اینرو خانواده های کم در آمد ویر جمعیت از برآوردن نیازهای اولیه خانواده ناتوانند و همچنین زندگی درکلبه های محقر وفاقد امکانات رفاهی میتواند عاملی برای فرار کودکان از کانون فقر زده خانواده وپیوستن آنان به لشکر کودکان خیابانی باشد.

جدایی پدر و مادر: جدایی پدر ومادر یا مشاجره بین والدین وکتک زدن مادر وفرزندان تاثیر ناخوشایندی را در کودکان به جای می گذارد ودربرخی موارد موجب گریز کودکان از خانواده می شود.

سواستفاده جنسی. درموردی که کودکان مورد تجاوز به ویژه توسط نزدیکان خود قرار می گیرند به علت احساس نفرت یاحقارت از خانه می گریزند.

محیط زندگی و همنشینی با کودکان خیابانی. در محلات فقیر نشین بعلت فقر مادی وفرهنگی والدین که در مراقبت وتربیت فرزندان خود ناتوان هستند و همچنین نبودن پارک بازی در محله وهمنشینی وتاثیر پذیری از کودکان خیابانی زمینه ای برای پیوستن به کودکان خیابانی می باشد.

کمبود محبت و روابط عاطفی: ابراز محبت والدین نسبت به فرزندان وروابط عاطفی عامل موثری در پیوند ویگانگی اعضای خانواده دارد، اما در مواردی بدلیل فقرویکاری و یا اعتیاد والدین ابراز محبت خودرا ازفرزندان دریغ میورزند که خود میتوان عامل گریز فرزندان از خانواده باشد.

آمالها وآرزوها: بعضی کودکان در حسرت زندگی مرفه و برآوردن آرزوهای کودکانه، خانواده فلاکت زده خو درا رها کرده و به خیل کودکان خیابانی می پیوندند.

خصوصیات کودکان خیابانی: این کودکان معمولا گروهی زندگی میکنند، هیچگونه امکاناتی برای رعایت اصول اولیه بهداشت ونظافت خود ندارند، در جامعه تحقیر می شوند و پلیس با آنها باخسوت برخورد می کند، از واژه های لمبئی استفاده می کنند و به مرور زمان به ارزشهایی اخلاقی بی اعتنا میشوند اکثریت آنان، زندان ومورد تجاوز بودن را تجربه کرده اند. مشکل اصلی آنان تهیه غذا ویافتن سرپناه است وبرای تامین غذا بهر کاری تن در میدهند یا گدایی میکنند یا بسرقت دست میزنند ویا زباله ها را برای پس مانده مواد غذایی می کاوند

...

## اعتصاب و اعتراض کارگران شرکت نیشکر هفت تپه



اتحادیه ی آزاد کارگران ایران: کارگران شرکت نیشکر هفت تپه در دومین روز اعتصاب و عصیان خود علیه ستم گریهای کارفرما، در ساعات اولیه صبح امروز با قطع برق کارخانه جاده منتهی به آنرا همراه با خانواده هایشان بستند.

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، توام با بستن جاده منتهی به کارخانه، گروههایی از کارگران نیز برخی مکانهای کارخانه از جمله آزمایشگاه را مورد حمله قرار داده و گروههای دیگری نیز بار دیگر با تجمع در مقابل دفتر مدیریت شیشه های آنرا شکستند و بار دیگر سیامک نصیری افشار قائم مقام کارخانه را در دفتر خود حبس کردند. امروز همه بخشهای کارخانه بطور یکپارچه ای در اعتصاب بود و سرویسهای ترابری و ایاب و ذهاب نیز به اعتصاب پیوسته بودند. همچنین صبح امروز در حالی که مامورین حراست مانع ورود خبرنگاران برخی رسانه ها به کارخانه شده بودند این خبرنگاران با همراهی و کمک کارگران وارد کارخانه شدند و پس از تهیه مصاحبه و عکس و فیلم با همراهی کارگران کارخانه را ترک کردند.

بنا بر این گزارش، بدنبال بروز خشم کارگران شرکت نیشکر هفت تپه که از دیروز آغاز شده بود و امروز نیز ادامه داشت، ساعت ده صبح فرماندار و بدنبال آن رئیس اداره اطلاعات و فرمانده انتظامی شوش وارد شرکت شدند و ساعتی بعد نیز معاون وزیر اقتصاد و معاون وزیر کار در کارخانه حاضر شده و ضمن گفتگو با کارگران با قائم مقام و دیگر مسئولین کارخانه نشستنی برگزار کردند.

در پی این نشست، علاوه بر حقوق مرداد ماه کارگران روزمزد که آخر وقت دیروز پرداخت شده بود حقوق مرداد ماه کارگران و کارمندان دیگر بخشها منجمله تجهیزات، آتش نشانی، بازرگانی و امور اداری نیز به حساب آنان واریز شد. همچنین نماینده اداره اطلاعات، وزارت اقتصاد و سازمان خصوصی سازی به کارگران قول دادند تا پایان این هفته، یکماه دیگر از دستمزد معوقه آنان تسویه و در پایان هر ماه، یکماه از دستمزد معوقه کارگران تا زمان تسویه کامل پرداخت خواهد شد. بنا بر اظهار کارگران، علیرغم این وعده ها، چگونگی پرداخت معوقه های سال ۹۴ و برخی دیگر از مطالبات کارگران مسکوت گذاشته شد. همچنین معاون وزیر اقتصاد با حضور در میان کارگران ضمن وعده بروز رسانی حقوقهای آنان طبق زمان بندی انجام شده اعلام کرد هیچ کارگری اخراج نخواهد شد و اگر آقای اسد بیگی که شرکت نیشکر هفت تپه را خریداری کرده است به تعهداتش پایبند نباشد ما قراردادن را با او فسخ خواهیم کرد. اما کارگران در مقابل وعده های او بطور یکپارچه ای اعلام کردند این وعده ها دروغ است و حقوقهای معوقه ما باید به فوریت پرداخت شود.

این وعده ها در حالی امروز ازسوی نمایندگان وزرای اقتصاد، وزارت کار، نماینده اداره اطلاعات و سازمان خصوصی سازی به کارگران داده شد که حدود ده روز پیش سیامک نصیری افشار قائم مقام مدیر عامل کارخانه طی مصاحبه ای از پرداخت ۵ ماه دستمزد معوقه کارگران با فواصل ده روز به ده روز صحبت کرده بود و در پی عدم تحقق این وعده ها بود که کارگران شرکت نیشکر هفت تپه از دیروز دست به اعتصاب و عصیان زدند.

بنا بر اظهار کارگران شرکت نیشکر هفت تپه، از زمان واگذاری کارخانه به بخش خصوصی، آنان حقوقهای خود را همیشه آنهم با تاخیرهای چند ماهه با اعتراض و اعتصاب دریافت کرده اند و حال سوال این است که چنانچه کارفرما قادر به اداره کارخانه و پرداخت دستمزد کارگران نیست چرا شرکت به ایشان واگذار شده است و چرا وقتی کارگران دست به اعتصاب و اعتراض میزنند میتواند بخشهایی از حقوق آنان را پرداخت کند؟!

بنا بر آخرین گزارشهای ارسالی از سوی کارگران شرکت نیشکر هفت تپه به اتحادیه آزاد کارگران ایران، با توجه به ادامه نشست قائم مقام شرکت با مسئولینی که وارد کارخانه شده بودند بسیاری از کارگران با فرا رسیدن پایان ساعت اداری با زمزمه ادامه اعتصاب کارخانه را ترک کردند. همچنین کارگران بازنشسته ای که چکهای صادره از سوی کارفرما به آنان وصول نشده است اعلام کرده اند فردا جهت پیگیری دریافت چکهای خود در محل کارخانه دست به تجمع خواهند زد.

## اعتراض های گسترده علیه بیکاری در خوزستان



### صادق کار

سودجویی بی‌حد و حصر مقامات و نهادهای مختلف نظام، دخالت‌های پرهزینه آن‌ها در کشورهای دیگر و ... قرار دارد.

دخالت نظامی در کشورهای دیگر علاوه بر آن که هزینه‌های کلانی را بر کشور تحمیل کرده و می‌کند، به عامل مهمی در دامن زدن به رکود، بیکاری و تشدید آن‌ها تبدیل شده و عملاً اقتصاد و اشتغال در کشور را به سوی انزوا و نابودی سوق داده، بنا بر این تا زمانی که این دخالت‌های ناروا ارتجاعی و ضد مردمی ادامه دارد، تصور نمی‌رود که بهبودی ولو اندک در کاهش رکود و بیکاری رخ دهد.

دست برداشتن از این دخالت‌ها و روی آوردن به همزیستی مسالمت آمیز با همسایگان و تاکید بر صلح بجای تحریک و تهدید در شرایط کنونی و به رسمیت شناختن و رعایت آزادی‌های اساسی، نخستین گام به سوی حل معضل بیکاری، رکود اقتصادی و معضلات متعددی است که حکومت بر مردم کشور تحمیل کرده و بیکاران می‌توانند، با هدف سازماندهی هر چه بیشتر، سعی کنند متشکل و بصورت یک پارچه علیه بیکاری و علت واقعی آن مبارزه خود را گسترش دهند و با قدرت تشکل و استفاده از همه ابزار موجود در عرصه رسانه‌ها، تشکل‌های مدنی و شبکه‌های اجتماعی برای حق کار، دولت را وادار به تغییر سیاست‌هایش کنند.

**قبل از این نیز اعتراض‌های متعددی به همین خاطر در شهرهای مختلف خوزستان صورت گرفته بود و در اثر همین تحرکات بود که مسئولان دولتی با اختصاص سهمیه برای مردم بومی موافقت کردند، ولی به آن پایبندی نشان ندادند و همین موجب گسترش اعتراض‌های گروه‌های اجتماعی مختلف که در خبرگزاری "ایلنا" بخش‌هایی از آن منعکس گردیده، شده است**

بدون مبارزه متحدانه و فشار هدفمند به حکومت، امکان خلاصی از بیکاری و فقر وجود ندارد. اعتراض‌های مردمی هفته گذشته در خوزستان، در ذات خود اعتراض به بیکاری است و این تحرکات که محدود به خوزستان هم نیست، حکایت از گسترش این نوع مبارزه و مطالبات صنفی همراه با رشد آگاهی در میان جوانان بیکار دارد.

و نهادهای حکومتی که دیگر از چشم کمتر کسی پنهان مانده، زمینه چنین مطالباتی را فراهم کرده است. مسئولان دولتی و کارفرمایان هم بدشان نمی‌آید با دامن زدن به رقابت بین کارگران بومی و غیر بومی بخشی از فشار ناشی از بیکاری و بی‌تدبیری شان را به سوی خود بیکاران هدایت کنند و ضمناً مانعی دیگر بر سر یک پارچگی بیکاران و جنبشی که علیه بیکاری رفته رفته در حال شکل گرفتن است، بوجود آورند.

**ریشه معضل بیکاری و بدتر شدن شرایط اشتغال در سیاست‌ها، فساد، سودجویی بی‌حد و حصر مقامات و نهادهای مختلف نظام، دخالت‌های پرهزینه آن‌ها در کشورهای دیگر و ... قرار دارد**

حق کار یک حق بديهی و مسلم است و دولت‌ها موظف به تأمین آن هستند و مادامی که این حق تأمین نشود، دولت وظیفه دارد نیازهای زندگی متقاضیان کار را تأمین کند. به همین جهت مبارزه علیه بیکاری و برای کار در هر صورت درست و ارزشمند و در جهت احیاء حقی قانونی است که به هر علت دولت از برآورده کردن آن ناتوان است. اما واقعیت این است که اختصاص سهمیه در شرایط بیکاری گسترده و سراسری اگر چه ممکن است یکی دو درصد از نرخ بیکاری در یک منطقه بکاهد و به همان نسبت نرخ بیکاری در منطقه دیگری را افزایش دهد، اما چاره کار بیکاری در خوزستان و هیچ نقطه دیگری از ایران نیست و چه بسا می‌تواند به تفرقه و رقابت میان نیروی کار و مردم در مناطق مختلف دامن بزند و به عاملی علیه خود بیکاران تبدیل شود.

برای مبارزه با بیکاری و وادار کردن دولت لازم است به دنبال راه حل‌های موثر دیگر و قبل از همه هم سو و فشرده کردن صفوف همه بیکاران بود.

خوشبختانه در ایران ظرفیت بالقوه برای ایجاد اشتغال و به حداقل رساندن بیکاری و حرکت به سوی اشتغال کامل، که خواست اصلی فعالان جنبش کارگری است، وجود دارد.

برخلاف ادعای مسئولان دولتی و کارفرمایان که به دروغ علل بیکاری را قانون کار و دستمزد بالای نیروی کار و مسائلی از این دست می‌دانند و سعی دارند آن را به خورد جامعه دهند و به باور عمومی تبدیل کنند، ریشه معضل بیکاری و بدتر شدن شرایط اشتغال در سیاست‌ها، فساد،

خبرگزاری "ایلنا" در دهم آذر از "اعتراض گسترده خوزستانی‌ها به آزمون نفت" خبر داد. همین خبرگزاری یک روز پیش از انتشار گزارش "اعتراض گسترده خوزستانی‌ها" خبر از ادامه اعتصاب دو هفته‌ای دانشجویان دانشگاه صنعت نفت که خواستار تغییر هیأت رئیسه دانشگاه و عملی کردن وعده جذب فارغ‌التحصیلان دانشگاه نفت در وزارت نفت، را منتشر کرد.

دلیل و انگیزه اصلی هر دوی این اعتراض‌ها مرتبط با بیکاری گسترده در زر خیزترین و پر درآمدترین استان کشور است. وجود آمار بیکاری بالا در خوزستان موجب رقابت شدید بر سر شغل‌های محدودی شده که قرار است در موسسات حوزه نفت، گاز و پتروشیمی ایجاد شوند. مردم بومی خواستار آن هستند که سهمی از اشتغالی که در استان ایجاد می‌شود به مردم بومی اختصاص پیدا کند.

**دخالت نظامی در کشورهای دیگر علاوه بر آن که هزینه‌های کلانی را بر کشور تحمیل کرده و می‌کند، به عامل مهمی در دامن زدن به رکود، بیکاری و تشدید آن‌ها تبدیل شده و عملاً اقتصاد و اشتغال در کشور را به سوی انزوا و نابودی سوق داده، بنا بر این تا زمانی که این دخالت‌های ناروا ارتجاعی و ضد مردمی ادامه دارد، تصور نمی‌رود که بهبودی ولو اندک در کاهش رکود و بیکاری رخ دهد**

این اعتراض‌ها البته تازه نیستند. قبل از این نیز اعتراض‌های متعددی به همین خاطر در شهرهای مختلف خوزستان صورت گرفته بود و در اثر همین تحرکات بود که مسئولان دولتی با اختصاص سهمیه برای مردم بومی موافقت کردند، ولی به آن پایبندی نشان ندادند و همین موجب گسترش اعتراض‌های گروه‌های اجتماعی مختلف که در خبرگزاری "ایلنا" بخش‌هایی از آن منعکس گردیده، شده است.

مطالبه سهمیه اشتغال تا وقتی که نرخ بیکاری این همه بالا نرفته بود، بندرت پیش می‌آمد ولی فشار بیکاری از یک سو و ناتوانی مسئولان دولتی در ایجاد اشتغال از سوی دیگر و هم چنین اختصاص محل‌های شغلی محدود به نزدیکان و حامیان مدیران

**سازمان ما در مبارزه‌ای که میان کار و سرمایه در جریان است، در جانب کار قرار دارد**

## بیست و نهمین کنفرانس بنیاد پژوهش‌های زنان ایران

### «متحدان جنبش زنان ایران در منطقه و جهان»

بیست و نهمین کنفرانس بنیاد پژوهش‌های زنان ایران از ۸ تا ۱۰ ژوئن ۲۰۱۸ میلادی (۱۳۹۷ خورشیدی) در شهر استکهلم برگزار خواهد شد. بنیاد پژوهش‌های زنان ایران در نظر دارد در بیست و نهمین کنفرانس خود به موضوع «متحدان جنبش زنان ایران در منطقه و جهان» بپردازد.

درهم‌تنیدگی نابرابری‌های جنسی و جنسیتی با سایر بی‌عدالتی‌های طبقاتی، مذهبی، قومی و نژادی، و نیز فراوانی وجوه اشتراک میان مطالبات، آرمان‌ها و اهداف جنبش‌های فمینیستی با آرمان‌ها و درخواست‌های سایر جنبش‌های عدالت‌خواهانه، ضرورت یافتن راهکارهایی برای همکاری‌های مشترک را اجتناب‌ناپذیر می‌کند.

برخورداری از دستاوردها و تجربیات گروه‌های دیگر و زمینه‌سازی برای حصول چنین اهدافی البته مستلزم پاسخ دادن به پرسش‌های گوناگون از جمله پرسش‌های زیر است. هرکدام از این پرسش‌ها نیز می‌تواند دربرگیرنده ده‌ها پرسش متفاوت باشد:

- ارتباط فعالان زن لایه‌های گوناگون قومی، طبقاتی، مذهبی و اجتماعی و به طور خاص ال‌جی‌بی‌تی در جنبش زنان ایران چگونه است؟

- همکاری جنبش زنان ایران با دیگر جنبش‌های اجتماعی در ایران، چگونه پیش می‌رود؟

- رابطه جنبش زنان ایران با فمینیسم به مثابه یک جریان فکری در جهان و در کشورهای همسایه چگونه است؟ فمینیسم ایرانی تا کجا «فراملیتی» است و تا چه میزان «غرب‌محور»؟

- همراهان استراتژیک، درازمدت یا کوتاه‌مدت جنبش زنان ایران در داخل کشور

و در کشورهای همسایه و جهان چه گروه‌هایی هستند؟

- مبانی بنیادین و ارزشی جنبش زنان ایران در همکاری یا عدم همکاری با

سایر گروه‌ها کدام است؟

- همکاری‌های عملی و نظری جنبش زنان ایران با این گروه‌ها چه دستاوردها و پیامدهایی می‌تواند داشته باشد؟

- جنبش زنان ایران در جستجو، یافتن و برقراری ارتباط با متحدان منطقه‌ای و ال‌گوبرداری از تجربیات آنان تا چه میزان موفق بوده است؟

آموخته‌های متقابل جنبش‌های زنان ایران و کشورهای همسایه از دو مسیر

«همکاری‌های عملی» و «رسانه‌ای» چیست؟ رسانه‌ها یا

رسانه‌های جنبش‌های زنان در آموخته‌های متقابل این جنبش با جنبش‌های مشابه در جهان چه نقشی داشته‌اند؟

- همکاری و همبستگی فعالان سیاسی-اجتماعی در خارج از کشور با جنبش زنان ایران به چه شکل است؟

- موانع همکاری‌های مشترک کدام است؟ آیا دستیابی به یک پلاتفرم حداقلی با سایر گروه‌ها و جنبش‌های عدالت‌جو ممکن است؟ اگر آری چگونه میسر می‌شود؟

- ارتباطات و شبکه سازی جنبش زنان ایران، دارای چه عناصر و ویژگی‌هایی است؟

سازماندهی، جهت‌گیری و مدیریت جنبش‌های زنان در ایران

در مقایسه با سایر کشورها چگونه است؟ ارتباطات میان نسلی

فعالان حقوق زنان در جنبش زنان ایران به عنوان نوعی همکاری و همبستگی درون‌مرزی چگونه است؟

از پژوهشگران دعوت می‌کنیم، چکیده‌ای از پژوهش مورد نظر خود را که تاکنون انتشار

نیافته در یک صفحه آ-۴، حداقل در ۴۰۰ واژه تایپ شده کامپیوتری، همراه با شرح کوتاهی از زندگینامه خود، تا پایان روز ۲۱ ژانویه ۲۰۱۸ به

ایمیل [iwsf2018stockholm@gmail.com](mailto:iwsf2018stockholm@gmail.com) ارسال کنید. زمان هر سخنرانی حدوداً ۲۰ دقیقه است. زبان سخنرانان ایرانی به زبان فارسی است. هیچ چکیده مقاله‌ای به شکل دستنویس دریافت نمی‌شود.

بر اساس اساسنامه بنیاد پژوهش‌های زنان ایران، کسانی که در پنج سال گذشته در کنفرانس‌های مربوط به این مرکز به عنوان سخنران، شاعر و هنرمند میهمان شرکت داشته‌اند، امکان ارائه آثار خود را در این برنامه ندارند.

بنیاد پژوهش‌های زنان ایران نهادی است غیرانتفاعی که به هیچ گروه و سازمان سیاسی و مذهبی بستگی ندارد.

فعالیت‌های این بنیاد، انواع فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و فکری زنان ایرانی را در بر می‌گیرد. بنیاد کوشش می‌کند با نگاه و زبانی زنانه به تاریخ ایران بنگرد و در حفظ و اشاعه آثار زنان ایران در حد توان بکوشد.

بنیاد پژوهش‌های زنان ایران از سال ۱۹۹۰ کنفرانس‌های بین‌المللی خود را با شرکت علاقمندان از سراسر جهان برگزار کرده است و پژوهش‌ها، یافته‌ها و تلاش‌های هنری ارائه شده به این کنفرانس‌ها را به صورت سالنامه منتشر می‌سازد.

بنیاد پژوهش‌های زنان ایران اهداف و برنامه‌های خود را با مشارکت و حمایت یاران و دوستداران پی‌ریخته و با پشتیبانی مالی و معنوی آنان به کار خود تداوم بخشیده است.

استکهلم پنجم دسامبر ۲۰۱۷



- تارنمای "به‌بیش!" می‌خواهد در خدمت برگزاری کنگره مشترک قرار گیرد. کنگره مشترک توسط سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، طرفداران وحدت چپ و کنشگران چپ برای پایه‌گذاری تشکل حزبی واحد تدارک می‌شود.
- تارنمای "به‌بیش!" محل بحث و گفتگو و ارائه نظر و پیشنهاد خواهد بود.
- تارنمای "به‌بیش!" کوشش می‌کند گره‌های نظری چپ دموکرات و بنیان‌های برنامه‌های آن را برای جامعه ایران مطرح کند.
- در این رسانه، الگوی حزبی و سازمانی که می‌خواهیم بسازیم مورد بحث و گفتگو است.
- "به‌بیش!" تلاش خواهد کرد که تجارب جریان‌های چپ در عرصه‌های مختلف را بازتاب دهد.
- "به‌بیش!" می‌خواهد مواضع سیاسی مشترک سه جریان را بازتاب دهد.
- "به‌بیش!" برای برقراری ارتباط فعال بین دوستداران وحدت و پایه‌گذاری تشکل حزبی چپ و کسانی که می‌خواهند در روند برگزاری کنگره و در کنگره مشارکت کنند، تلاش خواهد کرد.
- سرانجام اینکه بیشترین تأکید این تارنما بر مباحث و گفتمان‌های فکری و برنامه‌های و سیاسی خواهد بود.

# پیروان آیین یارسان در اسارت تبعیض های چند گانه

## یداله بلدی

عراق در آمدند و سالها در اسارت بودند و عده دیگری نیز در اسارت درگذشتند.

در آغاز انقلاب شهرهای سرپل ذهاب و کرد پایگاه نیروهای چپگرا بویژه "فداییان خلق" بود. ستاد سازمان فدایی در شهر کرد مستقر بود و اغلب جوانان، هوادار این سازمان بودند و مردم شهر و روستا برای حل مشکلات خود به ستاد سازمان مراجعه می کردند. در انتخابات مجلس خبرگان که در سال ۵۸ برگزار شد و سازمانهای سیاسی هم میتوانستند کاندیدا معرفی کنند، کاندیدای های سازمان فدایی در شهرهای کرد و سرپل ذهاب تمام آرا مردم این دو شهر را کسب کرد. این نتایج برای حاکمیت خوشایند نبود و بر تبعیض خود بر مردم محروم یارسان افزود.

**از دیگر باورهای مردم یارسان که رژیم آنها برنمی تابد، نواختن تنبور و خواندن آواز دسته جمعی در خانه هاست که در این مراسم از خرد و کلان و زن و مرد در کنار یکدیگر تنبور مینوازند و هماهنگ آواز آیینی شان را می خوانند، و رژیم باتمام تلاشهایش نتوانسته است مانع از برگزاری این مراسم شود**

دستگیری و زندانی کردن پیروان یارسان به دلایل واهی، از دیگر اقدامات کینه توزانه حاکمیت نسبت به پیروان یارسان است، در سال ۹۴ بعثت اهانتی که در زندان همدان نسبت به زندانیان یارسان شد، دو نفر از یارسانیان در واکنش به آن خود را در برابر فرمانداری همدان به آتش کشیدند. نیکمرد طاهری بر اثر آتش سوزی جان سپرد و حسین رضوی نیز دچار سوختگی ۶۰ درصد شد. تمام دردها و زنجهایی مانند جنگ، آوارگی، بیکاری، محرومیت و تبعیض را مردم یارسان در این سالها تحمل کرده اند. حاکمیت نه تنها درصد جبران این مشکلات و رفع آنها برنیاورد و تبعیضات قومی و مذهبی و بیکاری و مشکلات اقتصادی همچنان به قوت گذشته ادامه دارد.

اکنون که یکماه از وقوع زلزله میگذرد کمکهای بیدریغ مردمی به این منطقه محروم همچنان ادامه دارد. هدف مردم از یاری رسانی بر اساس گرایش به قوم و مذهب خاصی نیست بلکه برپایه های ناعدوستی وهم میهنی استوار است. امید است این کمکها همچنان ادامه داشته باشد و این همبستگی و گرایشات ناعدوستانه برقرار بماند و پایه هایی برای ایجاد نهادهای پایدار برای یاری رسانی به خیل عظیم آسیب دیدگان و بویژه معلولان، بیماران خاص، زندانیان، کودکان و زنان خیابانی که از محرومیت مضاعف در رنج اند تداوم پیدا کند، بلکه اندکی از این رنج ها کاسته شود.

شهرهای قصرشیرین، سرپل ذهاب، اسلام آباد، گیلانغرب، ازگله، کرد و صحنه زندگی میکنند و بقیه نیز در استانهای همدان، آذربایجان شرقی، زنجان، خراسان، لرستان و قزوین ساکن هستند.

در اوایل انقلاب رژیم غیر از سرکوب دگراندیشان در صدد به اسلام درآوردن پیروان آیین های غیر رسمی مانند بهایی و یارسان بود و با اقداماتی گسترده و تبلیغ، تهدید و ارباب تلاش میکرد تا از برگزاری مراسم آیین یارسان جلوگیری کند و آنان را به شرکت در نماز جماعت در مساجد و مراسم عزاداری محرم وادار کند، اما بدیهی است هرگاه هویت و فرهنگ یک قوم یا آیین مورد سرکوب و تبعیض قرار گیرد مقاومت برای حفظ عقیده و هویت آن بیشتر میشود، از این رو پیروان آیین یارسان به مقاومت در مقابل این زورگویی ها و فشارها برخاستند و حاکمیت در تحمیل باورهای تشیع به مردم یارسان با شکست مواجه شد.

از دیگر باورهای مردم یارسان که رژیم آنها برنمی تابد، نواختن تنبور و خواندن آواز دسته جمعی در خانه هاست که در این مراسم از خرد و کلان و زن و مرد در کنار یکدیگر تنبور مینوازند و هماهنگ آواز آیینی شان را می خوانند، و رژیم باتمام تلاشهایش نتوانسته است مانع از برگزاری این مراسم شود.

**هدف مردم از یاری رسانی بر اساس گرایش به قوم و مذهب خاصی نیست بلکه برپایه های ناعدوستی وهم میهنی استوار است**

مردم یارسان انواع مشکلات و رنجها را تجربه کرده اند، در آغاز انقلاب عده ای از مردم یارسان که از فشارها و تضییقات رژیم به ستوه آمده بودند، به کشور عراق پناهنده شده و در اردوگاه رمادیه اسکان داده شدند. برخی از آنان توسط سازمان ملل به کشورهای اروپایی و کانادا اعزام شدند، عده ای نیز به ایران بازگشتند که هنوز فاقد کارت ملی هستند و عده ای نیز پس ۲۸ سال هنوز در اردوگاه بسر میبرند و فاقد امکانات بهداشتی و آموزشی هستند، سرنوشت ساکنین این اردوگاه در این ۲۸ سال یکی از فاجعه بارترین سرنوشتهای بخشی از مردم فقیر و محروم کشورمان است.

در زمان جنگ پس از استان خوزستان بیشترین میزان ویرانی و آوارگی را مردم این منطقه تحمل کردند. شهر باستانی قصرشیرین در اثر جنگ به ویرانه ای تبدیل شد و شهرهای سرپل ذهاب و کرد و تمامی روستاها اطراف نیمه ویران و خالی از سکنه شدند و عده ای از مردم غیر نظامی و کشاورز نیز به اسارت ارتش

در اثر زلزله ویرانگری که در ۲۱ آبان در استان کرمانشاه روی داد، شهر سرپل ذهاب بیشترین میزان ویرانی و کشته را در برداشت. شهر سرپل ذهاب از شهرهای مرزی استان کرمانشاه است و ۸۵ هزار نفر جمعیت دارد. اکثریت مردم این شهر پیرو آیین یارسان یا اهل حق هستند. دراطراف این شهر آثار باستانی متعلق به دوران قبل از اسلام وجود دارد که نشانگر قدمت تاریخی این شهر است.

**در سال ۹۴ بعثت اهانتی که در زندان همدان نسبت به زندانیان یارسان شد، دو نفر از یارسانیان در واکنش به آن خود را در برابر فرمانداری همدان به آتش کشیدند. نیکمرد طاهری بر اثر آتش سوزی جان سپرد و حسین رضوی نیز دچار سوختگی ۶۰ درصد شد**

زلزله ویرانگر اخیر برخی از واقعیهای وضعیت زندگی مردم این منطقه را آشکار کرد و آنها در معرض دید افکار عمومی قرار داد. شهر سرپل ذهاب که یکی از فقیر ترین و محروم ترین شهرهای ایران است و افزون بر تبعیض قومی و مذهبی از عقب ماندگی اقتصادی نیز رنج می برد. بیکاری در بین جوانان بیداد میکند زیرا در سرپل ذهاب، کارخانه یا کارگاه وجود ندارد و هیچگونه فعالیت اقتصادی چشمگیر اشتغالزا در سهر وجود ندارد و داوطلبان استخدامی در سازمانهای دولتی نیز در گزینش بدلیل غیرمسلمان بودن پذیرفته نمی شوند. بهمین علت جوانان، ناچار جلای وطن میکنند و یا به کشورهای اروپایی پناهنده میشوند و یا در شهرهای بزرگ ایران به کارهای شاق تن در می دهند.

آیین یارسان در قرن چهارم هجری شکل گرفته که آمیزه ایست از ادیان ایران باستان مانند زروانی، زرتشتی و میتراییسم. اما در طی زمان و تحت سلطه حکومتهای شیعه بر اثر فشارها و تضییقات پیروان این آیین به ناچار برخی از اعتقادات تشیع را نیز پذیرفته اند، با این حال هیچکدام از مناسک و مراسم اسلامی را بجای نمیآورند و به اصول و فروع دین اسلام اعتقاد ندارند.

جمعیت پیروان یارسان را حدود ۴ میلیون نفر تخمین میزنند که حدود دو و نیم میلیون آن در ایران و بقیه در کشورهای عراق، سوریه، ترکیه و لبنان، ساکن هستند. اکثریت پیروان آیین یارسان در استان کرمانشاه و در

## پیام به بیستمین کنگره حزب کمونیست اسپانیا



رفقای عزیز،

با سپاس از دعوت شما برای شرکت در بیستمین کنگره حزب کمونیست اسپانیا، برای کنگره شما در اتخاذ تصمیم‌های راهگشا در راستای گسترش و تعمیق مبارزات کنونی کمونیست‌های اسپانیا آرزوی موفقیت می‌کنیم.

همان‌گونه که در پیام رفیق خوزه لوئیز سنتلا دبیرکل حزب شما حاوی دعوت به شرکت در کنگره شما خاطرنشان شده است، کنگره حزب شما در شرایط تشدید بحران اقتصادی و اجتماعی در اروپا برگزار می‌شود. این بحران در درجه اول زائیده سیاست‌های غیرانسانی در تحمیل ریاضت اقتصادی به آسیب‌پذیرترین اقشار جوامع اروپایی است. ترویکای متشکل از کمیسیون اروپا، بانک مرکزی اروپا و صندوق بین‌المللی پول، در یک دهه اخیر کوشیده است بار فزاینده بحران مالی را بر دوش مردمی بگذارد که بیشترین لطمات ناشی از وضعیت متزلزل نظام سرمایه‌داری جهانی را متحمل شده‌اند. نتیجه مستقیم این بی‌عدالتی فاحش، فقر و محرومیت کم‌سابقه در دهه‌های اخیر در بسیاری از کشورهای اروپایی است. نتیجه دیگر آن، بحران سیاسی است که به ویژه در رشد ناسیونالیسم و فاشیسم در این کشورها نمود یافته است.

حزب شما وظیفه توأمان مقابله با سیاست‌های تحمیل ریاضت و مبارزه با گرایش‌های ناسیونالیستی را بر عهده گرفته است. ما برای شما در این مسیر آرزوی موفقیت می‌کنیم و همراه با شما اعتقاد داریم پیشبرد این پیکار، مستلزم ایجاد پیوند میان جنبش‌های مختلف اجتماعی علیه سیاست‌های نئولیبرال، علیه نژادپرستی و ناسیونالیسم، برای رهایی زنان از قیود مردسالارانه، برای صلح و طرد جنگ افروزی و میلیتاریسم، برای حفظ محیط‌زیست و در یک کلام، برای زندگی بهتر است.

ما اطمینان داریم همفکری و خرد جمعی در کنگره شما، امکان اتخاذ تصمیم‌هایی برای تقویت این مبارزات را فراهم می‌کند.

با درودهای رفیقانه

هیئت سیاسی - اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۲۶ نوامبر ۱۳۹۶

## چرا حرف از مالیات رئیسی را آشفته می‌کند؟

صادق کار



به نوشته "خبرآنلاین" ابراهیم رئیسی در بخشی از گفتگویی که به تازگی داشته است، گفته است: "مردم علیه آستان قدس سخن نمی‌گویند و چند سایت خاص موضوعاتی از جمله مالیات را مطرح می‌کنند. امام راحل دستور دادند آستان قدس و شرکت‌های تابعه از مالیات معاف هستند. رئیسی گفت: ما هم اکنون مالیات ارزش افزوده و تکلیفی را پرداخت و چند برابر مالیات در مناطق محروم خدمت رسانی می‌کنیم."

ادعاهایی که رئیسی در مصاحبه مورد اشاره نموده است، پرسش‌هایی را در اذهان تداعی می‌کند.

۱- به فرض اینکه "امام" درآمد موسسات تحت تملک "آستان قدس" را از پرداخت مالیات معاف کرده باشد، این بذل و بخشش در کدام نهاد حقوقی به تصویب رسیده و جزئیات آن مشخص شده است که همچنان از نظر رئیسی معتبر و حکم قانون ادلی را دارد؟ اگر قرار باشد حرفهای "امام" حکم قانون را داشته باشند در این صورت این حکم در مورد سایر گفته‌های وی از آن جمله، مجانی کردن آب و برق، گاز، اتوبوس، خانه، تامین زندگی مادی و... که هیچ کدامشان اجرا نشده و نمی‌شوند چرا نایستی معتبر و اجرا شوند؟

۲- رئیسی مدعی است که چند برابر مالیاتی که باید پردازند، خرج خدمت رسانی به مناطق محروم می‌کنند. خوب اگر چند برابر مالیاتی که باید بدهد، خرج مناطق محروم می‌کند علت چیست که برای طفره رفتن از پرداخت مالیات این همه برآشفته می‌شود و آسمان و ریسمان می‌بافد؟ آیا بهتر و یا صرفه‌تر نیست که "تولیت آستان قدس" بجای "این چند برابر کمک" مالیات قانونی اش را پردازد و تصمیم‌گیری در مورد هزینه کردن مالیات را به نهادهای حقوقی بسپارد؟

۳- با این همه دست و دل بازی "برای مناطق محروم" چرا رئیسی حاضر به دادن آمار و ارقام از درآمدها و مبالغی که به ادعای خودش برای مناطق محروم هزینه می‌کند و کم و کیف این هزینه‌ها تا کنون رایبه نداده و آن را به آینده‌ای نامعلوم حواله می‌دهد؟

۴- با بقیه درآمدهای موسسات کوناگون تحت تملک "آستان قدس" که کمتر کسی از شمار و درآمدهای آنها اطلاع دارد چه می‌کند؟

۵- موسسات تحت مالکیت "آستان قدس" که از لحاظ کارکرد مشابه موسسات خصوصی و کارتل‌ها هستند به چه دلیل بایستی از پرداخت مالیات مستثنی باشند؟

## آمریکا - اسرائیل - فلسطین

### تصمیم ترامپ در مورد بیت المقدس مغایر صلح و حقوق بین المللی است



تصمیم رئیس جمهور ایالات متحده در روز چهارشنبه برای به رسمیت شناختن بیت المقدس به عنوان پایتخت اسرائیل و انتقال سفارت آمریکا از تل آویو به بیت المقدس نظم بین المللی جهان را به مضحکه تبدیل کرده است. فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر و سازمان های عضو و همکار آن در فلسطین - الحق، مرکز حقوق بشر المیزان - و مرکز حقوق بشر المرصاد عرب در بلندی های جولان نگرانی شدید خود را از این تصمیم غیرمسئولانه ابراز می کنند. آمریکا با این تصمیم چک سفید دیگری در اختیار اسرائیل و اشغالگری آن و نقض حقوق اساسی فلسطینی ها، به ویژه حق تعیین سرنوشت آنها، قرار می دهد.

در حالیکه بحث های مربوط به جایگاه بیت المقدس در گفتگوهای قبلی صلح همواره بسیار با دقت انجام می شد، تصمیم رئیس جمهور ترامپ مانعی جدی در راه کلیه تلاش ها و امیدها برای دستیابی به صلح پایدار و جامع ایجاد می کند. این تصمیم می تواند به اوج گیری خشونت در اسرائیل و فلسطین بیانجامد و در سراسر منطقه و به ویژه، با توجه به اهمیت نمادین بیت المقدس در افکار عمومی، در میان متحدان آمریکا به تنش ها دامن بزند.

دیمیتریس کریستوپولوس، رئیس فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر، گفت:

**«این تصمیم با وجود اینکه جایگاه حقوقی بیت المقدس را به عنوان منطقه ای اشغالی تغییر نمی دهد، تلاش های صلح در اسرائیل و فلسطین را به شدت تضعیف می کند و حمله ای اساسی به نظام بین المللی حقوقی به شمار می رود. تصمیم ایالات متحده به بی قانونی بین المللی و جنایت های بین المللی اعتبار می بخشد.»**

شناسایی بیت المقدس به عنوان پایتخت اسرائیل و انتقال سفارت آمریکا به آنجا نقض آشکار اصول اساسی حقوق بین المللی و نقض مستقیم و عمدی تعهدات ایالات متحده بر اساس قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل است.

از زمان طرح تقسیم سازمان ملل در سال ۱۹۴۷، جامعه بین المللی درباره رعایت جایگاه حقوقی بیت المقدس توافق داشته است. حمله ها به جایگاه حقوقی بیت المقدس محکوم بوده است. اشغال بیت المقدس شرقی به دست اسرائیل پس از جنگ شش روزه ۱۹۶۷ به روشنی در قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت سازمان ملل محکوم شده است. در سال ۱۹۸۰، زمانیکه کینسیت بیت المقدس را پایتخت اسرائیل اعلام کرد، قطعنامه های ۴۷۶ و ۴۷۸ شورای امنیت تاکید کردند که هر اقدامی به قصد تغییر ماهیت و جایگاه بیت المقدس ناقض حقوق بین المللی به شمار می رود. در نتیجه، شورای امنیت سازمان ملل از همه کشورهایی که هیئت دیپلماتیک خود را در بیت المقدس مستقر کرده بودند خواست این هیئت ها را از آنجا خارج کنند. شورای امنیت بار دیگر در دسامبر ۲۰۱۶ در قطعنامه ۲۳۳۴ خود تاکید کرد که ایجاد شهرک های کوچ نشین اسرائیل در مناطق اشغالی فلسطین پس از سال ۱۹۶۷، شامل بیت المقدس شرقی، از هیچ اعتبار قانونی برخوردار نیست و نقض آشکار حقوق بین الملل است. شورای امنیت تاکید کرد که کوچ نشین ها مانع اصلی راه حل دو کشور و صلح پایدار و جامعه هستند. همچنان که دیوان بین المللی دآوری اعلام کرده است، کلیه کشورها تعهدی بین المللی دارند که وضعیت های غیر قانونی را به رسمیت نشناسند و هرگونه مانعی بر سر راه اعمال حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین را از میان بردارند.

بر این اساس، سازمان های ما از جامعه بین المللی، به ویژه شورای امنیت سازمان ملل و اتحادیه عرب که امروز و فردا اجلاس های اضطراری برگزار خواهند کرد، می خواهند کلیه اقدام های ممکن را در پیش بگیرند تا قطعنامه های الزام آور سازمان ملل، به ویژه درباره بیت المقدس، به اجرا درآیند.

علاوه بر این، سازمان های ما از دولت ها و سازمان های بین المللی بین دولتی می خواهند رعایت حقوق بین المللی را تضمین کنند، مواضع محکمی علیه تصمیم آمریکا بگیرند و علیه انتقال هر سفارتی به بیت المقدس، از جمله با خودداری از شرکت در نشست های رسمی در چنین سفارت هایی، فعالیت کنند.

سرانجام، از اتحادیه اروپا می خواهیم قاطعانه بر موضع جداسازی خود باقی بماند و موضعی قوی و مشترک را تعریف کند تا اطمینان یابد که هیچ مانعی بر سر راه مردم فلسطین قرار نگیرد.

منبع : جنبش جهانی حقوق بشر

## اعلامیه مشترک

### طاهر احمدزاده، چهره ملی و پدر مسعود، مجید و مجتبی احمدزاده درگذشت!

طاهر احمدزاده چهره ملی و یار دیرین و دلسوز فدائیان خلق از میان ما رفت. او پدر مسعود احمدزاده - یکی از بنیانگذاران جنبش فداییان خلق - و مجید احمدزاده از کادرهای نخستین این جنبش بود. زنده یاد آقا طاهر در زندان پدر هم‌زمان فرزندانش بود و برای همه آنها مایه دلگرمی در امر مبارزه و مقاومت. مسعود و مجید توسط رژیم شاه در ۱۱ اسفند ۱۳۵۰ در زندان اوین به جوخه اعدام سپرده شدند. مجتبی پسر سوم او نیز توسط جمهوری اسلامی در ۸ آبان ۱۳۶۰ در زندان اوین اعدام شد.

سابقه طولانی مبارزاتی طاهر احمدزاده به دهه ۲۰ خورشیدی برمی‌گردد. او کنشگر نهضت ملی شدن نفت، طرفدار عدالت اجتماعی و بعد از انقلاب مخالف انحصار سیاسی روحانیت شیعه بود. طاهر احمدزاده سال‌های زیادی از عمر خود را در اسارتگاه‌های دو رژیم شاه و جمهوری اسلامی سپری کرد. او خار چشم ساواک شاه بود و جزو زندانیان سیاسی که بعد از سال‌ها اسارت، تنها به نیروی مردم در آبان ۵۷ از زندان آزاد شد.

طاهر احمدزاده نخستین استاندار خراسان بعد از انقلاب بهمن ۵۷ بود که فقط دوره کوتاهی در سمت خود ماند. روح‌الله خمینی شدیداً نسبت به طاهر احمدزاده کینه می‌ورزید و با تهدید او هم بود که طاهر احمدزاده از استانداری کنار گذاشته شد. طاهر احمدزاده بعد از سال ۶۰ در خانه‌ای در تهران زندانی و برای وادار شدن به اعتراف تلویزیونی تحت شکنجه قرار گرفت. او در سال‌های بعد زمانی که علی خامنه‌ای جانشین سلف خود شد، هم‌چنان مورد بغض و کینه ولی‌فقیه دوم قرار گرفت. او مجدداً دستگیر شد و آخرین بار در سال ۱۳۸۰ بود که در سن هشتاد سالگی از زندان آزاد گردید. اما در منزل زیر نظر ماموران امنیتی جمهوری اسلامی قرار داشت.

طاهر احمدزاده بیش از ۷۵ سال از زندگی خود را در مبارزه و مقاومت در برابر دو استبداد شاهی و ولایتی طی کرد. نام طاهر احمدزاده هم بخاطر یک عمر مبارزاتی‌اش و هم بخاطر اینکه پدر فرزندان پر آوازه‌ای بود که نامشان همچنان طنین‌انداز تاریخ معاصر است، در تاریخ مبارزات آزادی‌خواهانه مردم ایران برای همیشه ثبت می‌ماند.

ما درگذشت طاهر احمدزاده را به خانواده و نزدیکان او، به ویژه به مستوره احمدزاده تسلیت می‌گوئیم و برای آن‌ها بردباری آرزو می‌کنیم.

**هیئت سیاسی - اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)**

**هیئت مسئولین کنشگران چپ**

**هیئت هماهنگی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران - طرفداران وحدت چپ**

۱۰ آذر ۱۳۹۶ (اول دسامبر ۲۰۱۷)

**آدرس پستی:**

L.G.e.v

Postfach 260268

50515 Köln

Germany

**شماره حساب بانکی:**

L.G.e.v **دارنده حساب بانکی:**

**شماره حساب:** ۲۳۴۴۲۰۲۲

**کد بانک:** ۳۷۰۵۰۱۹۸

**نام بانک:**

Stadtsparkasse Köln-Bonn

IBAN: DE33 37050198 0022

442032

SWIFT-BIC: COLSDE33

### بولتن کارگری شماره ۲۱۴

**در این شماره می‌خوانید:**

-**تحلیل هفته:** اعتراض‌های گسترده علیه بیکاری در خوزستان؛

-**از تجربه دیگران:** اتحادیه‌های صنفی در حال گذارتغییرات در روابط صنعتی در ویتنام (بخش ششم)

-**دیگر کشورها:** کمیسیون‌های کارگری اسپانیا - مبارزه ای فراتر از صنف؛

-**از جهان کار:** آینده کار، چنان که می‌خواهیم (بخش ۱۲)

-**اطلاعیه:** احضار و تهدید فعالان کمک رسان زلزله کرمانشاه؛

-**حوادث کار:** آمارهایی که دیده نمی‌شوند

-**کودکان کار:** هزینه‌های چندبرابری کودکان کار در مراکز درمانی

-**نیتر اخبار**

**گروه کار کارگری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)**

**آدرس تماس با پست الکترونیک:** karrooznamehi@gmail.com